



## مدیریت سود، حق الزحمه حسابداری و لحن غیرعادی زبان در گزارش‌های مدیران

مهدی ثقفی<sup>۱</sup>

علی اکبر نونهال نهر<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۶

اعظم پور یوسف<sup>۳</sup>

### چکیده

بر اساس تئوری چشم‌انداز، ترجیحات شخصی مدیران می‌تواند بر رفتار فرصت طلبانه آنان اثرگذار باشد. همچنین تئوری نمایندگی بیان می‌کند که منافع شخصی مدیران و تلاش برای پوشش عملکرد ضعیف به دست آمده می‌تواند موجب تحمیل هزینه‌های نمایندگی مستقیم و غیرمستقیم بر شرکت‌ها گردد. از این رو انتظار می‌رود مدیران شرکت‌هایی که اقدام به مدیریت سود نموده‌اند، به منظور تاثیرگذاری بر استفاده کنندگان اطلاعات اقدام به تغییر در لحن زبان گزارش‌های توضیحی خود نموده و از این طریق حق الزحمه حساب‌رسان را نیز تحت الشعاع قرار دهند. هدف پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی‌گری لحن غیرعادی زبان مدیران در رابطه مدیریت سود و حق الزحمه عادی و غیرعادی حسابداری است. دوره زمانی این پژوهش ۸ سال (۱۳۹۳ الی ۱۴۰۰) بوده و شامل ۹۴۴ مشاهده می‌باشد. فرضیه‌های پژوهش با استفاده از رگرسیون چندگانه با کنترل اثرات ثابت سال و صنعت و آزمون سوبل مورد بررسی قرار گرفته است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که وجود مدیریت سود موجب افزایش انگیزه مدیران برای استفاده از لحن غیرعادی در گزارش‌های فعالیت هیئت مدیره می‌گردد. همچنین لحن زبان غیرعادی استفاده شده در گزارش‌های فعالیت (توضیحی) هیئت مدیره نیز ارتباط مستقیم و معنی‌داری با افزایش حق الزحمه عادی و غیرعادی حساب‌رسان دارد. علاوه بر این، مدیریت سود تأثیر مثبت و معنی‌دار بر حق الزحمه حساب‌رسان اعم از عادی و غیرعادی داشته است. بدین ترتیب، لحن زبان غیرعادی گزارش‌های فعالیت (توضیحی) هیئت مدیره می‌تواند نقش میانجی در ارتباط بین مدیریت سود و حق الزحمه‌های عادی و غیرعادی حسابداری داشته باشد.

مدیرانی که امتیاز مدیریت سود بیشتری دارند، از طریق مدیریت لحن خود در گزارش‌های فعالیت هیئت مدیره و پرداخت حق الزحمه حسابداری بالاتر، سعی در پوشش اقدامات فرصت طلبانه خود دارند.

**واژه‌های کلیدی:** تئوری نمایندگی، مدیریت سود، لحن زبان غیرعادی مدیران، حق الزحمه حسابداری، گزارش‌های فعالیت مدیران.

۱ گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) saghafi.mahdi@pnu.ac.ir

۲ گروه حسابداری، واحد بستان آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، بستان آباد، ایران. anonahal@gmail.com

۳ گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. pouryousof@pnu.ac.ir



## ۱- مقدمه

اشراف و آگاهی مدیران به عملکرد و وضعیت مالی شرکت، باعث عدم تقارن اطلاعاتی بین سهامداران و مدیران می‌گردد و افزایش این شکاف، سوء تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان را به دنبال دارد (خانی و قجاوند، ۱۳۹۱). از این رو کیفیت گزارشگری مالی عاملی مهم در بازار سرمایه است، هرچند نمی‌توان آن را به طور مستقیم مشاهده نمود (پامروی و سورنتن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸). براساس نظریه نمایندگی، مدیران به عنوان نمایندگان مالکان و سهامداران شرکت به دلیل داشتن اهداف کوتاه مدت که ممکن است با اهداف مالکان در تضاد باشد؛ دست به اقداماتی بزند که این تضاد را افزایش دهد. در حقیقت همین اهداف کوتاه مدت مدیران که مبتنی بر انگیزه‌های شخصی آنان (انگیزه‌هایی از قبیل کسب پاداش یا انگیزه امنیت شغلی به منظور حفظ جایگاه مدیریتی) است می‌تواند زمینه ساز رفتاری فرصت طلبانه گردیده و مدیریت سود گزارش‌شده شرکت را در پی داشته باشد. ابودی، هیگز و لیو (۲۰۰۵) نشان دادند، کیفیت ارقام تعهدی می‌تواند معیاری برای عدم تقارن اطلاعاتی باشد. زیرا پایین بودن کیفیت ارقام تعهدی، ناپایداری محیط عملکردی، انحراف پیش بینی سود و نهایتاً عدم تقارن اطلاعاتی را به دنبال دارد. اخگر و شانظری (۱۳۹۴)، نیز نشان دادند عدم تقارن اطلاعاتی را می‌توان از طریق افزایش کیفیت گزارشگری مالی و شفافیت اطلاعات کاهش داد. بنابراین مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی، عدم تقارن اطلاعاتی و کاهش کیفیت گزارشگری را به دنبال دارد و می‌تواند بر سایر ارتباطات شرکت، از جمله قراردادهای حسابرسی و حق الزحمه حسابرسان تاثیر داشته باشد.

مدیران در کنار گزارش‌های حسابداری، از طریق انتخاب لحن خود در گزارش‌های توضیحی، اطلاعات زیادی در خصوص عملکرد گذشته و برنامه‌های آتی ارائه می‌دهند (هالس، جیسون و ونکاترامن<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱). از این رو لحن زبان گزارش‌های توضیحی، مکملی برای افشا اطلاعات به بازار سرمایه است. منظور از لحن زبان، میزان به کارگیری کلمات مثبت و منفی در متن افشا است و لحن مدیران، بیان خوشبینانه (مثبت) یا بدبینانه (منفی) وضعیت و عملکرد شرکت است. پژوهش‌های اخیر حسابداری و مالی نیز توجه قابل توجهی به ارتباط ویژگی‌های زبانی و نوشتاری افشاهای مدیر با نتایج اقتصادی آن داشته است (بیدل، هیلاری و وردی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹؛ داویس، پیگر و سدور<sup>۴</sup>، ۲۰۱۲؛ هانگ، تئو و ژانگ<sup>۵</sup>، ۲۰۱۴؛ لارکر و زاکولیوکینا<sup>۶</sup>، ۲۰۱۲؛ لی، ۲۰۰۸؛ راجرز، وان و زچمن<sup>۷</sup>، ۲۰۱۱؛ رهنمای‌رودپشتی و همکاران، ۱۳۹۱). مطالعاتی نظیر لوپاتا، گلوگر و جیشکا<sup>۸</sup> (۲۰۱۷)؛ یانگ، یو، لیو و وو<sup>۹</sup> (۲۰۱۸)؛ بگینسکی و همکاران (۲۰۱۸) و پوریوسف و همکاران (۲۰۲۲)

1. Pomeroy & Thornton

2. Hales, Jason & Venkataraman

3. Biddle, Hilary & Verdi

4. Davis, Piger & Sedor

5. Huang, Teohb & Zhang

6. Larcker & Zakolyukina

7. Rogers, Van Buskirk & Zechman

8. Lopatta, Gloger & Jaeschke

9. Yang, Yu, Liu & Wu

نشان می‌دهند لحن افشای مدیران بر تصمیمات سرمایه‌گذاران و تحلیلگران تاثیرگذار است. با توجه به گرایش پژوهش‌های اخیر به تاثیر لحن گزارش‌های کیفی مدیران بر بازار سرمایه، می‌توان انتظار داشت لحن مدیران، پیامدهایی نظیر برآورد خطر حسابرسی را به‌همراه خواهد داشته باشد.

مدیران در راستای انگیزه‌های شخصی خود و به منظور مطلوب نشان دادن وضعیت و عملکرد شرکت یا پنهان نمودن وضعیت و عملکرد نامطلوب، اقدام به مدیریت لحن زبان در گزارش‌های خود می‌نمایند. مدیریت لحن توسط مدیران در گزارش‌های توضیحی پیامدهای متعددی دارد. مطالعاتی نظیر پوریوسف و همکاران<sup>۱</sup>(۲۰۲۲)، بوون و همکاران<sup>۲</sup>(۲۰۱۸)، بیگنسی و همکاران<sup>۳</sup>(۲۰۱۸)، جگادش و وو<sup>۴</sup>(۲۰۱۳)، دوران و همکاران<sup>۵</sup>(۲۰۱۲)، دیویس و همکاران<sup>۶</sup>(۲۰۱۲)، لوگران و مک‌دونالد<sup>۷</sup>(۲۰۱۱)، فلدمن و همکاران<sup>۸</sup>(۲۰۱۰)، کوتاری و همکاران<sup>۹</sup>(۲۰۰۹)، لوگران و همکاران<sup>۱۰</sup>(۲۰۰۹)، تتلوک<sup>۱۱</sup>(۲۰۰۷) و هنری<sup>۱۲</sup>(۲۰۰۸) به پیامدهای لحن مدیران بر بازار سرمایه، پرداخته‌اند. اما پیامدهایی که انتخاب لحن غیرعادی استفاده شده توسط مدیران می‌تواند بر حسابرسی داشته باشد، کمتر مورد توجه قرار گرفته است که این موضوع یک شکاف تحقیقاتی محسوب می‌شود. دی کاسترو و همکاران<sup>۱۳</sup>(۲۰۱۹) با استفاده از نمونه‌ای از گزارش‌های سالانه شرکت‌های دولتی استرالیا دریافتند که حسابرسان هنگام ارزیابی ریسک، لحن گزارش‌های سالانه را در نظر گرفته و لحن مثبت‌تر را نشان دهنده وضعیت مالی بهتر و ریسک کمتر می‌دانند و در نتیجه حق الزحمه حسابرسی کمتری از شرکت دریافت می‌دارند. به طور کلی، لحن افشاهای مختلف شرکت‌ها نشان دهنده عملکرد شرکت و میزان ریسک شکست مالی است و بنابراین بر تصمیمات ذینفعان تاثیر می‌گذارند. از این رو گزارش‌های مالی از جمله مهم‌ترین منابع تصمیم‌گیری بازار سرمایه است و حسابرسان نیز در این خصوص نقش اعتباردهی دارند. از این رو در فرایند گزارش‌گری، حسابرسان نقشی حیاتی داشته و ارزش افزوده اقتصادی ایجاد می‌کنند، زیرا در خصوص اعتبار و قابلیت اتکای اطلاعات مالی به استفاده‌کنندگان اطمینان می‌دهند. از طرفی نیز لحن مدیران می‌تواند پیامدهایی بر ارزیابی ریسک حسابرسی و تصمیمات حسابرسان داشته باشد.

همانطور که پیش‌تر اشاره گردید، لحن افشای مدیران بر تصمیمات سرمایه‌گذاران و مشارکت‌کنندگان بازار موثر است. پوریوسف و همکاران<sup>۱۴</sup>(۲۰۲۲) نشان دادند لحن زبان غیرعادی مدیران، باعث معاملات ناکارآمد سهامداران می‌شود. از این رو لحن گزارش‌های مالی می‌تواند بر تصمیمات استفاده‌کنندگان تاثیر قابل ملاحظه‌ای داشته باشد؛ به همین دلیل انتظار می‌رود حسابرسان این موضوع را در انتخاب صاحبکار و ارزیابی

<sup>1</sup> Bowen, Dutta, Tang and Zhu

<sup>2</sup> Jegadeesh, Wu

<sup>3</sup> Doran, Peterson and Price

<sup>4</sup> Davis, Jeremy, and Sedor

<sup>5</sup> Feldman, Govindaraj, Livnat & Segal

<sup>6</sup> Kothari, Xu and James

<sup>7</sup> Loughran, Bill and Yun

<sup>8</sup> Henry

<sup>9</sup> De Castro, Gul, Muttakin and Mihret

خطر حسابرسی در نظر بگیرند. براین اساس فلتهم و همکاران<sup>۱</sup> (۱۹۹۱) بیان داشتند که موسسات حسابرسی به دلیل مواجهه با ریسک بیشتر، در رسیدگی‌های خود تلاش‌های بیشتری انجام داده و در نهایت از مشتریان حق الزحمه بیشتری مطالبه می‌نمایند. مطالعاتی نظیر ویسیننت و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۰۳)؛ جمالی و کرمی (۱۳۹۵)؛ خدماتی پور و امیری (۱۳۹۹) نیز بیان داشتند حق الزحمه حسابرسی معیار مناسبی برای سنجش میزان تلاش حسابرسان است و افزایش تضاد نمایندگی، بررسی‌های حسابرسان جهت اطمینان از کشف تقلب یا اشتباه و در نتیجه حق الزحمه حسابرسی را افزایش می‌دهد. لذا حق الزحمه حسابرسان چه عادی و چه غیرعادی می‌تواند متاثر از عملکرد مدیران باشد.

گزارش فعالیت هیئت مدیره که به صورت توضیحی و متنی نوشته می‌شود در واقع ابزاری است که مدیران برای بیان دیدگاه‌ها، اهداف، برنامه‌ها و نیز توجیه بخشی از عملکرد شرکت که امکان آرایه آنها در متن صورت-های مالی و یا یادداشت‌های همراه آن وجود ندارد، از آن استفاده می‌کنند. زیرا این گزارش‌ها عمدتاً آینده نگر بوده و یا توجیه عملکرد واقعی گذشته هستند. لحن زبانی که در تدوین این گزارش‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد نیز برگرفته از ذهنیات و نیت مدیران، در راستای اهدافی نظیر انگیزه‌های فرصت طلبانه یا انگیزه‌های علامت دهی به بازار یا غیره می‌باشد. لذا جهت پی بردن به نیت و ذهنیات مدیران، لحن گزارش‌های فعالیت هیئت مدیره می‌تواند روشنگر و کمک کننده باشد، زیرا مدیران در تدوین این گزارش‌ها و لحن مورد استفاده در آن کاملاً آزادی عمل داشته و خواسته یا ناخواسته نیت و پیش ذهنیات خود را آشکار خواهند ساخت. به عبارتی لحن گزارش‌های فعالیت هیئت مدیره نشان دهنده رفتار و نوع تفکر مدیریت است. بدین ترتیب در این پژوهش فرض بر این است که مدیریت سود تعهدی به عنوان یکی از انگیزه‌های فرصت طلبانه مدیران بر لحن مدیران در گزارش فعالیت هیئت مدیره تاثیر دارد. همچنین لحن مدیران در گزارش فعالیت هیئت مدیره بر تنظیم قرارداد حسابرسی و تعیین یا پذیرش حق الزحمه حسابرسی تاثیر دارد و نهایتاً فرض می‌شود لحن مدیران در گزارش فعالیت هیئت مدیره می‌تواند بر رابطه مدیریت سود و حق الزحمه حسابرسی (عادی و غیرعادی) تاثیر گذار باشد.

پژوهش حاضر ادبیات مرتبط با حق الزحمه‌های حسابرسی و مدیریت لحن گزارش‌های توضیحی شرکت را توسعه داده و شکاف تحقیقاتی در خصوص ارتباط لحن غیرعادی افشای مدیران بر حق الزحمه حسابرسی و تاثیر لحن مدیران بر رابطه مدیریت سود و حق الزحمه را پوشش می‌دهد. نتایج این پژوهش می‌تواند توجه قانون‌گذاران، تحلیل‌گران بازار سرمایه، تدوین کنندگان استانداردهای حسابداری و حسابرسی، حسابرسان و سایر استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی و حسابداری را بیش از پیش به میزان اهمیت گزارش‌های کیفی شرکت، لحن این گزارش‌ها و پیامدهای مدیریت لحن جلب نماید. در ادامه، ضمن بیان پیشینه نظری و

<sup>۱</sup> . Feltham, Hughes & Simunic

<sup>۲</sup> . Whisenant, Sankaraguruswamy & Raghunandan

فرضیه‌های پژوهش به روش شناسی پژوهش اشاره شده و پس از ارائه یافته‌های پژوهش، به نتیجه‌گیری و بحث پیرامون آن پرداخته خواهد شد.

## ۲- پیشینه نظری و بسط فرضیه‌ها

### ۲-۱- مدیریت سود و لحن غیرعادی زبان در گزارش‌های فعالیت هیئت مدیره

براساس تئوری نمایندگی، جایگاه مدیریت ارشد شرکت در جلوگیری از بروز تقلب، بسیار حائز اهمیت است و اثرات آن تحت ویژگی‌های مختلف مدیریت، متفاوت است (دمرجیان و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳؛ ارادی و همکاران، ۲۰۲۰). در مبانی مدیریت استراتژیک اشاره شده است که انگیزه مدیر برای تقویت تمایلات خود باعث وسوسه شدن او به نادیده گرفتن منافع شرکت می‌شود. وجود تضاد منافع بین مدیریت و مالکان این تئوری را تقویت می‌نماید که امکان دارد در تهیه گزارش‌های مدیریت صداقت و درستی رعایت نشده باشد. چرا که معمولاً مدیریت تمایل به افشا عملکرد مثبت خود و پنهان نمودن ضعف‌های شرکت دارد. بسیاری از استفاده‌کنندگان اطلاعات، سود شرکت را به عنوان معیاری مناسب برای تصمیم‌گیری‌های خود در نظر گرفته و حتی آن را یکی از بهترین شاخص‌های ارزیابی عملکرد مدیران (فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۴) و تعیین ارزش بنگاه اقتصادی (ریاحی نژاد و توانگر، ۱۴۰۰) تلقی می‌نمایند. استفاده‌کنندگان اطلاعات به دنبال دسترسی به اطلاعاتی هستند که روند سودآوری آتی شرکت را نشان دهند و این موضوع توسط سود که یکی از مهم‌ترین اقلام اساسی صورت‌های مالی است ممکن است، اما این احتمال نیز وجود دارد که مدیران در رقم نهایی سود اعمال نظرهایی داشته باشند (رحیمی و همکاران، ۱۴۰۱). در حقیقت مدیران شرکت‌ها نیز این توانایی را دارند که از طریق دستکاری عملکرد واقعی شرکت و اقلام تعهدی آن، اقدام به مدیریت سود نمایند (وانگ سانوی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲). در مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی، مدیریت نه از طریق تغییر فعالیت‌های اقتصادی اساسی شرکت، بلکه در پایان سال از طریق اقلام تعهدی اختیاری، سود را در جهت اهداف خویش دستکاری می‌کند (رویچ واندری<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶). بنابراین، اقلام تعهدی اختیاری را می‌توان اقلامی دانست که مدیران از طریق دستکاری در آن می‌توانند، نقش مهمی در مدیریت سود ایفا نمایند. واعظ، آرمن و شیبه (۱۳۹۷)، بیان داشتند که یکی از بهترین معیارها برای سنجش کیفیت اطلاعات حسابداری می‌تواند کیفیت اقلام تعهدی باشد. در حقیقت اقلام تعهدی می‌تواند باعث ایجاد تفاوت بین سود و جریان وجوه نقد گردد، حال اگر در جریان وجوه نقد تغییر حاصل نگردد، تنها راه دستکاری سود می‌تواند اقلام تعهدی اختیاری باشد (بشیری منش و پاکدل، ۱۳۹۸). یکی از معیارهای که به طور گسترده برای سنجش مدیریت سود استفاده شده است، کیفیت اقلام تعهدی است که توسط دیچوو و دیچوو<sup>۴</sup> (۲۰۰۲) توسعه یافته است. در حقیقت اقلام تعهدی اختیاری از آن جهت که در اختیار

<sup>۱</sup>. Demerjian & et al

<sup>۲</sup>. Wongsunwai

<sup>۳</sup>. Roychowdhury

<sup>۴</sup> Dechow and Dichev

مدیریت شرکت بوده و قابل اعمال نظر توسط وی است، بعنوان معیاری در جهت کشف مدیریت سود واحد اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرد بدین جهت است که این معیار بعنوان شاخصی در جهت کیفیت گزارشگری مالی شرکت نیز در نظر گرفته می‌شود. برخی پژوهش‌ها (همچون پورکریم و همکاران، ۱۳۹۷) به این موضوع اشاره داشته‌اند که با کاهش مدیریت سود تعهدی، لحن گزارش‌های توضیحی ارائه شده توسط مدیران دستخوش تغییراتی خواهد شد. این موضوع نشان می‌دهد که مدیریت سود می‌تواند لحن گزارش‌های فعالیت مدیران را تحت تاثیر قرار دهد. در حقیقت مدیران می‌توانند گزارش‌های سالانه خود را با لحنی مغرضانه و غیرعادی ارائه نمایند تا از این طریق اقدام به کنترل ادراک استفاده‌کنندگان از اطلاعات نموده و واقعیت را تحریف نمایند. این در حالی است که برای تحریر اینگونه گزارش‌ها چهارچوب مشخصی وجود نداشته و مورد اظهار نظر رسمی حسابرسان نیز قرار نمی‌گیرد و حتی متهم نمودن مدیران به استفاده غیراخلاقی از واژگان مثبت یا منفی بسیار مشکل است. براین اساس در ارائه گزارش‌های فعالیت هیئت مدیره استفاده از لحنی غیرعادی در واژگان مورد تاکید قرار گرفته و یا وضعیت عملکرد شرکت با شرکت‌های ضعیف‌تر مقایسه می‌شود تا بدین طریق مدیران، وضعیت ضعیف احتمالی شرکت را مثبت جلوه دهند. بطور مثال این احتمال وجود دارد که مدیریت از گزارش‌های مالی خود به عنوان ابزاری جهت پوشش ضعف‌های اساسی کنترل داخلی شرکت استفاده نماید تا از این طریق شرکت را با خطر کمتری نشان دهد (کردستانی و محمدی نسب، ۱۴۰۲). مدیریت با بکارگیری لحنی غیرعادی در گزارش‌های توصیفی و یا شفاهی خود، به عنوان شکلی از ادراک هدفدار و عامدانه به دنبال تغییر در درک استفاده‌کنندگان از اطلاعات می‌باشند (پورکریم و همکاران، ۱۳۹۷). پژوهش‌هایی نظیر لفران و مک دونالد (۲۰۱۱) و تتلوک<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) بیان داشتند واژه‌هایی که احساسات منفی را منتقل می‌کنند، تأثیر بیشتری نسبت به کلماتی که احساس مثبت را منتقل می‌کنند دارند، این پژوهش‌ها به نوعی تایید کننده نظر لاو و میلز<sup>۲</sup> (۲۰۱۵) هستند که بیان می‌دارد، انسان از دیدگاه روانشناختی تمایل دارد تا اطلاعات منفی را دقیق‌تر (شدیدتر) از اطلاعات مثبت پردازش کند. نتایج برخی از پژوهش‌های قبلی نشان دهنده این موضوع است که ارتباط معناداری بین لحن منفی اطلاعات و تصمیمات استفاده‌کنندگان از اطلاعات وجود دارد (به عنوان مثال، گارسیا<sup>۳</sup>، ۲۰۱۳؛ جگادیش و وو<sup>۴</sup>، ۲۰۱۳؛ تتلوک، ۲۰۰۷)، در حالی که برخی دیگر از پژوهشگران هیچ ارتباط معناداری بین لحن مثبت و تصمیمات استفاده‌کنندگان پیدا نکرده‌اند (به عنوان مثال، لوفران و مک دونالد، ۲۰۱۱). همانطور که پیش‌تر نیز اشاره گردید، پژوهش‌های انجام شده در سال‌های اخیر حاکی از ظرفیت زیاد تاثیرگذاری لحن اطلاعات مالی شرکت‌ها بر قضاوت و تصمیم‌گیری

<sup>۱</sup> . Tetlock

<sup>۲</sup> . Law & Mills

<sup>۳</sup> . Garcia

<sup>۴</sup> . Jegadeesh & Wu

سرمایه‌گذاران و سایر استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی است. در این بخش برخی از پژوهش‌های انجام شده در این خصوص مورد بررسی قرار می‌گیرد:

کید و مگیل (۲۰۲۲)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که بین مدیریت سود بالای شرکت‌ها و لحن زبان غیرعادی گزارش‌های مدیران ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. این موضوع مؤید اثربخشی مدیریت لحن زبان بر مدیریت ادراک مخاطبان است. ابوالسود و الساید (۲۰۲۲)، نیز در پژوهشی بیان داشتند ارتباط مثبتی بین لحن غیرعادی افشای مدیران و مدیریت سود وجود دارد. نتایج پژوهش ناکاشیما و زیبرت<sup>۱</sup> (۲۰۱۶)، بیان داشت ارتباط معناداری بین لحن مدیران و کیفیت و مدیریت سود وجود دارد. هانگ، تئو و ژانگ (۲۰۱۴)، نیز در پژوهشی بیان نمودند که می‌توان از مدیریت نوشتار، به‌عنوان ابزاری جهت پنهان نمودن اطلاعات مهم و بنیادین شرکت استفاده نمود. حسینی و جمالیان پور (۱۴۰۱)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که رابطه‌ی منفی و معناداری بین مدیریت سود تعهدی و لحن مثبت گزارش‌های حسابرس وجود دارد، همچنین بیان داشتند یک رابطه‌ی مثبت معناداری بین مدیریت سود و پیچیدگی گزارش‌های حسابرس وجود دارد. پورکریم و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهش خود بیان داشتند هر چقدر حاکمیت شرکتی قوی‌تر باشد، لحن بدبینانه در گزارش‌های توضیحی سالانه بیشتر خواهد بود. به همین دلیل در این پژوهش، ارتباط مدیریت سود با لحن غیرعادی گزارش‌های فعالیت هیئت مدیره مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به مطالب فوق فرضیه اول پژوهش به شرح ذیل مطرح می‌شود:

- **فرضیه اول:** مدیریت سود تعهدی با لحن زبان غیرعادی گزارش‌های فعالیت هیئت مدیره ارتباط مثبت و معنادار دارد.

## ۲-۲- لحن غیرعادی زبان در گزارش‌های فعالیت هیئت مدیره و حق الزحمه حسابرسی

گزارش‌های مدیریت در خصوص عملکرد شرکت بصورت توصیفی بیان می‌شود، که این موضوع بدلیل توانایی در پیچیده نمودن جملات، بیان غیرعادی و یا بلند و کوتاه بیان کردن آن و تغییر در نحوه اثرگذاری آن بر استفاده‌کنندگان، می‌تواند بطور فزاینده‌ای دارای اهمیت باشد. از طرفی نیز جملات وصفی به مدیران این امکان را می‌دهد که حتی اطلاعات را بصورت جزئی یا کلی افشا نمایند. بدین ترتیب با تغییر در توصیف‌های حسابداری، مدیران می‌توانند با استفاده از مدیریت لحن نوشتار برای منحرف نمودن ادراک استفاده‌کنندگان از گزارش‌ها استفاده نمایند (رهنمای رودپشتی و محسنی، ۱۳۹۷). این اهمیت بالای زبان وصفی حسابداری می‌تواند موجب بروز ریسک‌های حسابرسی گردیده و این موضوع باعث می‌شود حسابرسان در رسیدگی‌های خود دقت و کنترل بیشتر اعمال نمایند که احتمالاً این امر منجر به تاثیرگذاری بر حق الزحمه حسابرسی خواهد شد. از طرفی توجه حسابرسان به اطلاعاتی که همراه با صورت‌های مالی حسابرسی شده ارائه می‌گردد،

<sup>1</sup> . Nacashima & Zibart

در دهه اخیر مورد توجه بیشتری قرار گرفته است که دلیل این گرایش نیز با نیازهای استفاده‌کنندگان به اطلاعات مالی ارتباط دارد و اهمیت آن بدین خاطر است که، اطلاعات افشا شده توسط شرکت‌ها منبع مهم اطلاعاتی برای استفاده‌کنندگان به‌شمار می‌رود (لانگ و لوندولم<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰؛ لاورنس<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳). به‌طور کلی، ویژگی‌های زبانی و لحن پیام‌های ارائه شده در گزارش‌های سالانه شرکت نتایج اقتصادی بدنبال دارد (هنری، ۲۰۰۸؛ هانگ، تئو و ژانگ، ۲۰۱۴؛ یاکنی، ویزنیسکی و میلو<sup>۳</sup>، ۲۰۱۶)، بدین ترتیب باوجود پیامدهای مالی و اقتصادی، احتمال ریسک دعاوی حقوقی علیه حسابرسان افزایش یافته و با بالا رفتن خطر حسابرسی، این موضوع می‌تواند توجه حسابرسان را بیش از پیش معطوف خود دارد. همچنین با وجود استانداردهای حسابرسی فعلی، توجه حسابرسان باید به گونه‌ای باشد که نه تنها اطلاعات را به دلیل کشف گزارش‌های نادرست بررسی کنند، بلکه باید با ارزیابی که صورت می‌پذیرد، اثبات نمایند که اطلاعات ارائه شده با اطلاعات حسابرسی شده سازگار است یا خیر و در صورت کشف تحریف‌های با اهمیت بین اطلاعات حسابرسی شده و سایر گزارش‌های همراه، اقدام به اصلاح گزارش‌های حسابرسی نمایند (انجمن گزارشگری مالی<sup>۴</sup>، ۲۰۱۶؛ فدراسیون بین‌المللی حسابداران<sup>۵</sup>، ۲۰۱۲؛ هیئت نظارت بر شرکت‌های عمومی<sup>۶</sup>، ۲۰۱۳).

از آنجایی که گزارش‌های فعالیت هیئت مدیره نمایش دهنده وضعیت و شرایط مالی و عملیاتی شرکت در همان سال می‌باشد، لحن زبان استفاده شده در تدوین این گزارش‌ها نیز بر همین اساس و با شناخت درونی و واقعی مدیران از شرایط شرکت (و احتمالاً با اهداف گوناگون) انتخاب می‌گردد؛ از سوی دیگر، فرض بر این است که مبلغ حق الزحمه حسابرسی مورد قبول مدیران نیز با علم به شرایط درونی شرکت و کیفیت گزارش‌های مالی پذیرفته می‌شود. بنابراین اهداف مدیران (چه آشکار و چه پنهان) می‌تواند در تعیین حق الزحمه حسابرسی در زمان تنظیم قرارداد حسابرسی اثرگذار باشد. باتوجه به گسترش ادبیات ارتباط لحن گزارش‌های فعالیت هیئت مدیره با ریسک حسابرسی، شاخصه‌هایی مانند لحن غیرعادی و حق الزحمه‌های عادی و غیر عادی حسابرسی در پژوهش‌های داخلی هنوز مورد بررسی قرار نگرفته است و پژوهش‌های محدودی در دنیا به بررسی روابط این متغیرها پرداخته است.

تانگ و هان (۲۰۲۳)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که لحن مثبت غیرعادی می‌تواند بر فرآیند حسابرسی تأثیرگذار باشد. همچنین لحن مثبت غیرعادی در گزارش‌های سالانه با تلاش بیشتر حسابرسان همراه بوده و به همین دلیل باعث افزایش هزینه‌های حسابرسی گردیده است. همچنین حسینی و همکاران (۲۰۲۰)، در پژوهش خود بیان داشتند لحن افشای غیرعادی مدیران می‌تواند بر نوع اظهار نظر

<sup>۱</sup> . Lang & Lundholm

<sup>۲</sup> . Lawrence

<sup>۳</sup> . Yekini, Wisniewski & Millo

<sup>۴</sup> . Financial Reporting Council

<sup>۵</sup> . International Federation of Accountants

<sup>۶</sup> . Public Company Oversight Board



حسابرسان تاثیر گذار باشد. دکاسترو، ژول، موتاکین و میریت (۲۰۱۹)، در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که لحن مثبت زبان گزارش‌های مدیران ارتباط معکوسی با حق الزحمه حسابرسی دارد. همچنین لیو<sup>۱</sup> (۲۰۱۵)، در پژوهشی بیان داشت، اطلاعات کیفی حسابداری در تعیین حق الزحمه حسابرسی نقشی تاثیر گذار ایفا می‌نمایند. چرا که حسابرسان لحن افشای خوش بینانه را نشانه‌ای از کاهش ریسک تجاری شرکت می‌دانند. کاظمی‌علوم، عبدی، زلّقی و جلالوند (۱۳۹۹)، در پژوهش خود بیان نمودند شرکت‌هایی که خوانایی گزارشگری مالی آنها کمتر است، تأخیر گزارش حسابرسی طولانی‌تری داشته و حق الزحمه حسابرسی بیشتری نیز پرداخت نموده‌اند و در مقایسه با سایر شرکت‌ها تغییر حسابرسی بیشتری دارند. همچنین بیان داشتند در شرکت‌هایی که خوانایی گزارشگری مالی کمتری دارند، حسابرسان با ریسک حسابرسی بیشتری مواجه شده و بدین ترتیب تلاش خود را افزایش می‌دهند. بنابراین با توجه به مطالب فوق فرضیه‌های دوم و سوم پژوهش به شرح ذیل مطرح می‌شود:

- **فرضیه دوم:** لحن زبان غیرعادی گزارش‌های فعالیت هیئت مدیره با حق الزحمه عادی حسابرسی ارتباط مثبت و معنادار دارد.
- **فرضیه سوم:** لحن زبان غیرعادی گزارش‌های فعالیت هیئت مدیره با حق الزحمه غیرعادی حسابرسی ارتباط مثبت و معنادار دارد.

### ۲-۳- مدیریت سود تعهدی و حق الزحمه حسابرسی

حق الزحمه حسابرسی از منظر تاثیری که بر برنامه‌ریزی و کیفیت حسابرسی می‌گذارند دارای اهمیت بالایی است. هرچند حق الزحمه حسابرسی وجوهی است، که مطابق با قرارداد حسابرسی به موسسه حسابرسی بابت ارائه خدمات پرداخت می‌شود اما عوامل متعددی همچون کیفیت اطلاعات حسابداری بر میزان حق الزحمه دریافتی حسابرسان تاثیر گذار است. در حقیقت حسابرسان در زمان تعیین حق الزحمه حسابرسی کیفیت اطلاعات حسابداری و عوامل تاثیر گذار بر آن را مد نظر قرار می‌دهند، که کیفیت اقلام تعهدی یکی از این عوامل است (واعظ، آرمن و شبیه، ۱۳۹۷). مدیریت سود تعهدی در گزارش‌های مالی شرکت‌ها می‌تواند نشان دهند بروز خطر در جریان‌های نقدی شرکت باشد. به همین دلیل وجود مدیریت سود در گزارش‌های مالی شرکت‌ها عاملی بر تجدید نظر در برنامه‌ها و رویه‌های مورد استفاده حسابرسان است. که این امر نهایتاً افزایش دقت و تغییر در زمان‌بندی فرآیند حسابرسی را در پی خواهد داشت و نتیجه آن احتمال درخواست حق الزحمه بیشتر از صاحبکار است (چو، کی و وون<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵). فرنسیس (۲۰۰۴) معتقد است که حق الزحمه حسابرسی بالا منجر به ارائه خدمات حسابرسی با کیفیت از طریق استفاده از حسابرسان با تجربه یا افزایش تلاش و زمان حسابرسی می‌شود. پژوهش‌های پیشین وجود ارتباط مابین کیفیت اطلاعات حسابداری و حق الزحمه

<sup>۱</sup> . Liu

<sup>۲</sup> . Cho, Ki & Kwon

حسابرسی را تایید نموده و بیان داشتند شرکت‌هایی که دارای اطلاعات مالی بی کیفیت هستند حق الزحمه حسابرسی بیشتری پرداخت نموده‌اند. این بدین معنی است که حسابرسان زمانی با گزارش‌های بی کیفیت شرکت‌ها مواجه شده‌اند، درخواست حق الزحمه بیشتری نیز داشته‌اند (ژول، کارلس و چن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳؛ چالز، گلوور و شارپ<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰). این در حالی است که براساس نظریه "فشار حق الزحمه حسابرسی"، حق الزحمه پایین حسابرسی می‌تواند منجر به کاهش کیفیت خدمات حسابرسی ارائه شده توسط حسابرسان شود (کوک و کلی، ۱۹۸۸). بنابراین این معقول است که حسابرسان در مواجهه با ریسک بالا، تلاش خود را برای انجام رسیدگی‌ها افزایش داده و براین اساس حق الزحمه بیشتری را مطالبه نمایند. اما از سویی دیگر این امکان نیز وجود دارد که پرداخت حق الزحمه‌های نامتعارف به حسابرسان از طرف مدیران موجب وابستگی اقتصادی حسابرس به صاحبکار شده که این موضوع ضمن کاهش استقلال حسابرسان، کیفیت حسابرسی را نیز کاهش خواهد داد (نونهال نهر و اکبریور، ۱۳۹۸).

با در نظر گرفتن پژوهش‌های پیشین می‌توان بیان داشتند که لحن گزارش سالانه مدیران دارای ارزش‌های اطلاعاتی است (لانگ و لوندهللم، ۲۰۰۰؛ تتلوک، ۲۰۰۷). این پژوهش‌ها بیان داشتند که لحن خوشبینانه در گزارش‌های سالانه شرکت‌ها می‌تواند بطور مستقیم با قیمت سهام شرکت‌ها (لانگ و لاندهللم، ۲۰۰۰) و عملکرد فعلی و آینده شرکت (داویس، جی، ماتسوموتو و ژانگ<sup>۳</sup>، ۲۰۱۵) ارتباط داشته باشد. چنین مواردی نشان می‌دهد که ویژگی‌های گزارش‌های سالانه مدیران احتمالاً با عوامل خطر حسابرسی نیز مرتبط است که حسابرسان این موضوع را نیز در رسیدگی‌های خود در نظر می‌گیرند. دو رویکرد در خصوص لحن خوش بینانه گزارش‌های مالی وجود دارد، در رویکرد اول استدلال بر آن است که دلیل استفاده از لحن مثبت در گزارش‌های توضیحی می‌تواند ناشی از ضعف‌های موجود در وضعیت مالی موسسه باشد، که این امر ریسک حسابرسی را افزایش داده و منتج به افزایش بررسی‌های حسابرسی گردیده و نهایتاً حق الزحمه حسابرسی را افزایش خواهد داد. لاو و میل (۲۰۱۵) نشان دادند شرکت‌هایی که در گزارش‌های سالانه خود از کلمات با لحنی منفی استفاده می‌نمایند، تمایل دارند در برنامه ریزی‌های خود از استراتژی‌های جسورانه مالیاتی استفاده نمایند که این امر ممکن است موجب اقدامات متقابل قانونی توسط مقامات مالیاتی بر علیه بنگاه شود. از منظر حسابرسی، چنین شرایطی حاکی از خطر عدم تبعیت صاحبکار از قانون است که این امر افزایش ریسک ذاتی را در پی خواهد داشت. بر این اساس در رویکرد دوم چنین استدلال شده است که لحن مثبت ریسک حسابرسی را کاهش داده که این موضوع منجر به کاهش بررسی‌های حسابرسی و به تبع آن کاهش حق الزحمه حسابرسی می‌گردد. به بیان دیگر از آنجایی که استفاده از لحن مثبت در گزارش‌ها نسبت به لحن منفی دارای ریسک ذاتی پایین

<sup>۱</sup> . Gul, Chen & Tsui

<sup>۲</sup> . Charles, Glover & Sharp

<sup>۳</sup> . Davis, Matsumoto & Zhang

تری است، لذا استدلال می‌شود که احتمالاً لحن مثبت با تلاش حسابرسی کمتری نیز مواجه خواهد بود که این موضوع می‌تواند موجب کاهش هزینه‌های حسابرسی گردد.

بطور خلاصه می‌توان بیان داشت وجود رابطه نمایندگی متضمن بروز هزینه‌های نمایندگی است (نمازی، ۱۹۸۵) به همین دلیل هرچه هزینه‌های نمایندگی یک شرکت افزایش یابد، نشان‌دهنده شدت تضاد منافع آن شرکت خواهد بود. این موضوع نیاز نظارت بر مدیریت توسط حسابرسان را مطرح می‌نماید، که نتیجه استفاده از خدمات حسابرسی، تحمل هزینه و پرداخت حق الزحمه خواهد بود. این حق الزحمه توسط حسابرس و باتوجه به ارزیابی وی از ریسک‌های حسابرسی تعیین می‌گردد (رجبی و محمدی خشوئی، ۱۳۸۷). نتایج حاصل از پیشینه تجربی پژوهش نیز نشان داد که تأکید مدیران بر منافع شخصی و تلاش برای پوشش عملکرد ضعیف خود موجب تحمیل هزینه‌های نمایندگی مستقیم و غیرمستقیم بر شرکت‌ها خواهد شد. بدین ترتیب مدیریت کیفیت پایین گزارشگری مالی را از طریق استفاده از لحنی غیرعادی نسبت به اطلاعات واقعی شرکت و پرداخت حق الزحمه حسابرسی بیشتر پوشش خواهد داد. انجام پژوهش‌هایی در خصوص لحن گزارشگری مالی بدین صورت کمتر دیده شده و جای خالی چنین موضوعاتی، باتوجه به جایگاه ویژه گزارشگری مالی به خوبی احساس می‌شود.

دکاسترو، ژول، موتاکین و میریت (۲۰۱۹) در پژوهشی بیان نمودند، لحن گزارش‌های سالانه مدیران بر تصمیم‌گیری استفاده کنندگان از اطلاعات تأثیرگذار می‌باشد. بنابراین لحن گزارش‌های توضیحی مدیران می‌تواند در ارزیابی خطر حسابرسی توسط حسابرسان تأثیرگذار باشد. یانگ، یو، لیو و وو (۲۰۱۸) در پژوهشی بیان داشتند که بین گزارش‌های سالانه مدیران و حق الزحمه حسابرسی ارتباط مستقیمی وجود دارد. همچنین هریبار، کراوت و ویلسون<sup>۱</sup> (۲۰۱۴)، در پژوهشی بیان داشتند که اطلاعات موجود در حق الزحمه حسابرسی می‌تواند معیار جایگزینی برای ارزیابی کیفیت اطلاعات حسابداری شرکت‌ها باشد. با توجه به مطالب فوق فرضیه‌های بعدی پژوهش به شرح ذیل مطرح می‌شود:

- **فرضیه چهارم:** مدیریت سود تعهدی با حق الزحمه عادی حسابرسی ارتباط مثبت و معنادار دارد.
- **فرضیه پنجم:** مدیریت سود تعهدی با حق الزحمه غیرعادی حسابرسی ارتباط مثبت و معنادار دارد.
- **فرضیه ششم:** لحن غیرعادی زبان گزارش‌های هیئت مدیره در رابطه بین مدیریت سود تعهدی و حق الزحمه عادی حسابرسی اثری میانجی دارد.
- **فرضیه هفتم:** لحن غیرعادی زبان گزارش‌های هیئت مدیره در رابطه بین مدیریت سود تعهدی و حق الزحمه غیرعادی حسابرسی اثری میانجی دارد.

<sup>1</sup> . Hribar, Kravet & Wilson

### روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر طبقه بندی بر مبنای هدف، کاربردی بوده و از نظر روش اجرا (آماري) توصیفی-همبستگی می‌باشد. همچنین از نظر روش پژوهش در دسته پژوهش‌های تجربی- پس‌رویدادی است. داده‌های مورد نیاز پژوهش از طریق نرم افزار ره‌آورد نوین و سایت کدال و از صورت‌های مالی حسابرسی شده شرکت‌ها و گزارش‌های حسابرسی آنها جمع‌آوری شده است.

جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات کیفی (متنی) در این پژوهش نیازمند استفاده از ابزاری برای تشخیص لحن خوشبینانه (مثبت) یا بدبینانه (منفی) به کاررفته در گزارش‌های فعالیت هیئت مدیره می‌باشیم. بدین ترتیب به منظور اندازه‌گیری لحن زبان گزارش‌های فعالیت هیئت مدیره مدیره از روش مجموعه لغات استفاده شده است، که می‌توان این روش را به‌عنوان یک روش کمی تحلیل محتوا طبقه‌بندی نمود. لغت‌نامه‌های تخصصی حسابداری حال حاضر، که معیار سنجش واژگان مثبت و منفی در پژوهش‌های داخلی بوده است (همچون لغت‌نامه لوکران و مک‌دونالد، ۲۰۱۱؛ هنری، ۲۰۰۸) غیر بومی بوده و احتمالاً در ترجمه واژگان نیز صرفاً به ریشه کلمه توجه گردیده و تمام اشکال کلمه، مورد بررسی قرار نگرفته است. بنابراین در این پژوهش جهت تعیین لغات مثبت و منفی از فهرست واژگان ایجاد شده توسط پله، ایزدی‌نیا و امیری (۱۳۹۸) استفاده شده است. چرا که این واژگان از گزارش‌های فعالیت هیئت مدیره شرکت‌های فعال در بازار سرمایه ایران اقتباس گردیده و بر پایه واژه‌ها و کلمات بومی تهیه شده و تمامی اشکال کلمه (به طور مثال بحران- بحرانی- بحران‌زا) را در نظر گرفته است. بدین منظور در ابتدا تمامی گزارش‌های هیئت مدیره به مجمع عمومی صاحبان سهام برای کلیه سال-شرکت‌های مورد پژوهش، به فایل وورد<sup>۱</sup> تبدیل گردیده و سپس جهت تحلیل کیفی داده‌ها و تعیین تعداد کلمات مثبت و منفی از نرم افزار مکس کیودا<sup>۲</sup> استفاده شده است. پس از تعیین لحن (کسر کلمات منفی از کلمات مثبت و تقسیم آن بر کل کلمات)، بر اساس هانگ و همکاران (۲۰۱۴)، لحن غیرعادی محاسبه شده است.

جامعه آماری پژوهش، شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بازار سرمایه ایران طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۰ می‌باشد که پس از اعمال محدودیت‌های ذیل، تعداد ۱۱۸ شرکت برای ۸ سال (۹۴۴ مشاهده) از جامعه آماری انتخاب گردیده است.

شرکت‌ها باید طی دوره پژوهش فعالیت مداوم در بورس اوراق بهادار ایران داشته باشند، اطلاعات مورد نیاز شرکت‌ها در قلمرو زمانی پژوهش در دسترس باشد و وقفه معاملاتی بیشتر از شش ماه نداشته باشند، اطلاعات مربوط به حق الزحمه حسابرسی را افشا نموده و از طرفی پایان سال مالی شرکت نیز باید منتهی به ۲۹ اسفند ماه بوده و تغییر سال مالی نیز نداشته باشند و در نهایت جزو شرکت‌های واسطه‌گری مالی، سرمایه-گذاری، بیمه، بانکها و موسسات اعتباری، هلدینگ و لیزینگ (به سبب ماهیت خاص فعالیت) نباشند.

<sup>۱</sup> . Word

<sup>۲</sup> . Maxqda

پس از جمع‌آوری و استخراج داده‌ها ابتدا به منظور تجمیع، طبقه‌بندی، پردازش داده‌ها و محاسبه مقادیر متغیرها از نرم‌افزار اکسل<sup>۱</sup> استفاده گردید. سپس برای آزمون پنج فرضیه اول پژوهش، براساس داده‌های ترکیبی، از مدل‌های رگرسیون خطی چند متغیره استفاده گردیده و جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار استاتا نسخه ۱۵ استفاده شده است. همچنین به منظور آزمون فرضیه شش و هفت به دلیل وجود متغیر میانجی از آزمون سوبل<sup>۲</sup> (به روش برخط) استفاده شده است. در حقیقت متغیر میانجی، متغیری است که بین دو متغیر مستقل و وابسته قرار گرفته و باعث ارتباط غیرمستقیم آن‌ها با یکدیگر می‌شود.

### مدل‌ها و متغیرهای پژوهش

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، به پیروی از پژوهش‌های ژول و همکاران (۲۰۰۳)، آیاتریدس (۲۰۱۶)، دکاسترو و همکاران (۲۰۱۹) و پورکریم و همکاران (۱۳۹۷) از مدل‌های رگرسیونی زیر استفاده شده است.

#### جدول ۱. مدل‌های رگرسیونی پژوهش

مدل فرضیه اول (رابطه بین مدیریت سود و لحن غیرعادی گزارش‌های فعالیت هیئت مدیره)
$ABTONE_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 EM_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 OCF_{i,t} + \beta_4 TLSFU_{i,t} + \beta_5 MBV_{i,t} + \beta_6 DIV_{i,t} + \beta_7 FORREV_{i,t} + \beta_8 AGE_{i,t} + \beta_9 ROA_{i,t} + \beta_{10} CFD_{i,t} + \beta_{11} Q*FCF_{i,t} + \beta_{12} HTC_{i,t} + \beta_{13} ITC_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$
مدل فرضیه دوم (رابطه بین لحن غیرعادی گزارش‌های فعالیت هیئت مدیره و حق الزحمه عادی حسابرسی)
$LAFEE_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 ABTONE_{i,t} + \beta_2 ACIND_{i,t} + \beta_3 ACEXP_{i,t} + \beta_4 TENURE_{i,t} + \beta_5 OPINION_{i,t} + \beta_6 INVTA_{i,t} + \beta_7 RECTA_{i,t} + \beta_8 ROA_{i,t} + \beta_9 LEV_{i,t} + \beta_{10} SIZE_{i,t} + \beta_{11} AGE_{i,t} + \beta_{12} BIG_{i,t} + \beta_{13} HTC_{i,t} + \beta_{14} ITC_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$
مدل فرضیه سوم (رابطه بین لحن غیرعادی گزارش‌های فعالیت هیئت مدیره و حق الزحمه غیرعادی حسابرسی)
$ABFEE_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 ABTONE_{i,t} + \beta_2 ACIND_{i,t} + \beta_3 ACEXP_{i,t} + \beta_4 TENURE_{i,t} + \beta_5 OPINION_{i,t} + \beta_6 INVTA_{i,t} + \beta_7 RECTA_{i,t} + \beta_8 ROA_{i,t} + \beta_9 LEV_{i,t} + \beta_{10} SIZE_{i,t} + \beta_{11} AGE_{i,t} + \beta_{12} BIG_{i,t} + \beta_{13} HTC_{i,t} + \beta_{14} ITC_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$
مدل فرضیه چهارم (رابطه بین مدیریت سود و حق الزحمه عادی حسابرسی)
$LAFEE_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 EM_{i,t} + \beta_2 OPINION_{i,t} + \beta_3 LOSS_{i,t} + \beta_4 CR_{i,t} + \beta_5 INVTA_{i,t} + \beta_6 RECTA_{i,t} + \beta_7 ROA_{i,t} + \beta_8 SIZE_{i,t} + \beta_9 BIG_{i,t} + \beta_{10} HTC_{i,t} + \beta_{11} ITC_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$
مدل فرضیه پنجم (رابطه بین مدیریت سود و حق الزحمه غیرعادی حسابرسی)
$ABFEE_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 EM_{i,t} + \beta_2 OPINION_{i,t} + \beta_3 LOSS_{i,t} + \beta_4 CR_{i,t} + \beta_5 INVTA_{i,t} + \beta_6 RECTA_{i,t} + \beta_7 ROA_{i,t} + \beta_8 SIZE_{i,t} + \beta_9 BIG_{i,t} + \beta_{10} HTC_{i,t} + \beta_{11} ITC_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$

منبع: یافته‌های پژوهشگر

<sup>۱</sup> . Excel  
<sup>۲</sup> . Sobel Test

### اندازه‌گیری لحن غیرعادی گزارش‌های هیئت مدیره

در پژوهش حاضر به پیروی از هنری (۲۰۰۸) و هنری و لیوان<sup>۱</sup> (۲۰۱۶)، لحن ساده افشا بر اساس فهرست واژگان تخصصی، به این صورت اندازه‌گیری می‌شود:

$$\text{Tone} = \frac{\text{pw} - \text{nw}}{\text{pw} + \text{nw}}$$

که در آن tone، لحن افشای ساده؛ pw، تعداد کلمات مثبت و nw، تعداد کلمات منفی در متن گزارش می‌باشد. اگر tone، مثبت باشد، لحن افشا مثبت (خوش‌بینانه) و اگر tone منفی باشد، لحن افشا منفی (بدبینانه) است. سپس به پیروی از هانگ و همکاران (۲۰۱۴) برای شناسایی لحن غیرعادی، لحن افشا (tone) را بر اساس مجموعه متغیرهایی که ریسک و بازده مورد انتظار شرکت را پوشش می‌دهند، برازش شده است. لحن غیرعادی یا باقیمانده (RSD\_Tone)، خطای رابطه‌ی زیر است:

$$\text{Tone}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{EARN}_{it} + \beta_2 \text{SIZE}_{it} + \beta_3 \text{BTM}_{it} + \beta_4 \text{RET}_{it} + \beta_5 \text{STD\_EARN}_{it} + \beta_6 \text{STD\_RET}_{it} + \beta_7 \text{LOSS}_{it} + \beta_8 \text{AGE}_{it} + \beta_9 \Delta \text{EARN}_{it} + \varepsilon_{it}$$

EARN، سود گزارش شده شرکت در دوره جاری است و برای همگن‌سازی بر مجموع دارایی‌ها تقسیم می‌شود. SIZE، اندازه شرکت که از لگاریتم طبیعی ارزش بازار مجموع دارایی‌های شرکت استفاده می‌شود. BTM، ارزش دفتری شرکت به ارزش بازار آن است که از تقسیم ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام بر ارزش بازار حقوق صاحبان سهام اندازه‌گیری می‌شود. RET، بازده سالانه سهام است و از میانگین بازده‌های ماهانه دوره جاری استفاده می‌شود. STD\_EARN، انحراف استاندارد سود دوره جاری نسبت به دوره قبل می‌باشد. STD\_RET، انحراف استاندارد بازده سالانه سهام دوره جاری نسبت به دوره قبل می‌باشد. LOSS، زیان دهی شرکت است و یک متغیر ساختگی است به این صورت که اگر شرکت در دوره جاری سود داشته، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر اختصاص می‌یابد. AGE، لگاریتم طبیعی سالهای عمر شرکت و ΔEARN، تغییرات سود دوره جاری نسبت به دوره قبل است.

### اندازه‌گیری مدیریت سود

به منظور سنجش مدیریت سود از مدل جونز تعدیل شده (۱۹۹۱) استفاده گردیده است. دلیل انتخاب مدل جونز تعدیل شده، بدلیل آن است که بزرگ اصل و غفارپور (۱۳۹۱)، در پژوهش خود بیان داشتند الگوی تعدیل شده جونز از بین ۵ الگوی رایج پیش بینی اقلام تعهدی اختیاری برای شرکت‌های فعال در بورس ایران مناسب‌تر است. مدل جونز توسط دجو و همکاران<sup>۲</sup> (۱۹۹۵) با اضافه شدن یک متغیر اصلاح و تبدیل به مدل

<sup>۱</sup> Henry, Leone

<sup>۲</sup> Dechow, Sloan & Sweeney

تعدیل شده جونز گردیده، از نظر آن‌ها نیز مدل تعدیل شده جونز قوی‌ترین مدل برای اندازه‌گیری مدیریت سود (کیفیت گزارشگری مالی) می‌باشد. براین اساس در پژوهش حاضر از مدل مذکور برای محاسبه اقلام تعهدی اختیاری استفاده شده است. در مدل تعدیل شده جونز ابتدا کل اقلام تعهدی به شرح مدل زیر محاسبه می‌گردد:

$$TA_{i,t} = E_{i,t} - OCF_{i,t}$$

که در آن؛  $TA_{i,t}$ : کل اقلام تعهدی شرکت  $i$  در سال  $t$ ؛  $E_{i,t}$ : سود عملیاتی برای شرکت  $i$  در سال  $t$ ؛  $OCF_{i,t}$ : جریان‌های نقدی حاصل از عملیات برای شرکت  $i$  در سال  $t$  می‌باشد.

پس از محاسبه کل اقلام تعهدی، پارامترهای  $\alpha_1, \alpha_2, \alpha_3$  به منظور تعیین اقلام تعهدی غیراختیاری، از طریق مدل زیر برآورد می‌شوند:

$$\frac{TA_{i,t}}{A_{i,t-1}} = \alpha_1 \frac{1}{A_{i,t-1}} + \alpha_2 \frac{(\Delta REV_{i,t} - \Delta REC_{i,t})}{A_{i,t-1}} + \alpha_3 \frac{PPE_{i,t}}{A_{i,t-1}} + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن:  $TA_{i,t}$ : کل اقلام تعهدی شرکت  $i$  در سال  $t$ ؛  $A_{i,t-1}$ : ارزش دفتری کل دارایی‌های شرکت  $i$  در پایان سال  $t-1$ ؛  $\Delta REV_{i,t}$ : تغییر در درآمد فروش شرکت  $i$  بین سال  $t$  و  $t-1$ ؛  $PPE_{i,t}$ : ماشین‌آلات و تجهیزات ناخالص شرکت  $i$  در سال  $t$ ؛  $\varepsilon_{i,t}$ : اثرات نامشخص عوامل تصادفی و  $\alpha_1, \alpha_2, \alpha_3$ : پارامترهای برآورد شده شرکت  $i$  می‌باشند. پس از محاسبه پارامترهای  $\alpha_1, \alpha_2, \alpha_3$  از طریق روش حداقل مربعات طبق فرمول ذیل اقلام تعهدی غیراختیاری، به شرح مدل زیر تعیین می‌شود:

$$NDA_{i,t} = \alpha_1 \frac{1}{A_{i,t-1}} + \alpha_2 \frac{(\Delta REV_{i,t} - \Delta REC_{i,t})}{A_{i,t-1}} + \alpha_3 \frac{PPE_{i,t}}{A_{i,t-1}}$$

که در آن:  $NDA_{i,t}$ : اقلام تعهدی غیر اختیاری شرکت  $i$  در سال  $t$  می‌باشد. در نهایت اقلام تعهدی اختیاری (DA) پس از تعیین NDA به صورت مدل زیر محاسبه می‌شود.

$$DA_{i,t} = \frac{TA_{i,t}}{A_{i,t-1}} - NDA_{i,t}$$

به طور کلی مقادیر خطای حاصل از برآورد مدل فوق، به معنی اقلام تعهدی اختیاری بوده و بیانگر میزان اعمال مدیریت سود است و کیفیت اقلام تعهدی را نشان می‌دهد.

## اندازه‌گیری حق الزحمه غیرعادی حسابرسی

در این پژوهش حق الزحمه غیرعادی حسابرسان به پیروی از چوی و همکاران (۲۰۰۸) براساس باقیمانده رگرسیون مدل حق الزحمه‌عادی حسابرسی ارائه شده توسط سیمونیک برآورد شده است.

$$\ln fee_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \ln TA_{i,t} + \beta_2 ROA_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \beta_4 TEN_{i,t} + \beta_5 BIG_{i,t} + \beta_6 INVT_{i,t} + \beta_7 ISSUE_{i,t} + \beta_8 LOSS_{i,t} + \beta_9 CR_{i,t} + \beta_{10} REV_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

$\ln fee$  = لگاریتم طبیعی حق الزحمه حسابرسی،  $TEN_{i,t}$  = تداروم انتخاب حسابرسی،  $ISSUE_{i,t}$  = در صورت انتشار اوراق مشارکت عدد ۱ در غیر این صورت ۰ خواهد بود،  $\varepsilon_{i,t}$  = باقیمانده مدل رگرسیون.

جدول ۲. متغیرهای پژوهش و نحوه اندازه‌گیری آن

نام متغیر	نماد	نحوه اندازه‌گیری
مدیریت سود	EM	کیفیت اقلام تعهدی اختیاری بر حسب مدل جونز تعدیل شده (۱۹۹۵) (تشریح شده در قسمت قبل)
لحن غیرعادی گزارش‌های هیئت مدیره	ABTONE	مدل هانگ و همکاران، ۲۰۱۴ (تشریح شده در قسمت قبل)
حق الزحمه عادی حسابرسی	LAFEE	لگاریتم طبیعی حق الزحمه حسابرسی شرکت (حسبی و برخورداری، ۱۳۹۹)
حق الزحمه غیرعادی حسابرسی	ABFEE	باقیمانده رگرسیون مدل حق الزحمه عادی حسابرسی شرکت (چوی و همکاران، ۲۰۰۸)
سابقه لحن غیرعادی	HTC	لحن غیرعادی شرکت طی ۳ سال گذشته (هانگ و همکاران، ۲۰۱۴)
لحن غیرعادی صنعت	ITC	لحن غیرعادی شرکت‌های صنعت (لو و زو، ۲۰۱۹) و (افریچی، ۲۰۲۰)
جریان نقد عملیاتی	OCF	جریان نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی (پورکریم و همکاران، ۱۳۹۷)
نسبت بدهی‌ها به حقوق صاحبان سهام	TLSFU	نسبت کل بدهی‌ها بر حقوق صاحبان سهام (پورکریم و همکاران، ۱۳۹۷)
فرصت‌های رشد	MBV	نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام (پورکریم و همکاران، ۱۳۹۷)
شاخص تقسیم سود نقدی	DIV	نسبت سود پرداختی نقدی هر سهم به سود خالص هر سهم است (پور ابراهیمی و خسرو شاهی، ۱۳۹۱)

<sup>1</sup> Luo and Zhou

<sup>2</sup> Efreteuei



شاخص فروش صادراتی	FORREV	شرکت‌هایی که فروش صادراتی دارند عدد یک، در غیر این صورت عدد صفر (پورکریم و همکاران، ۱۳۹۷)
عمر شرکت	AGE	لگاریتم طبیعی تعداد سال‌های فعالیت شرکت از زمان تأسیس (کاظمی علوم و همکاران، ۱۳۹۹)
شاخص جریان نقد عملیاتی	CFD	تقسیم جریان های نقد عملیاتی بر کل دارایی‌ها (پورکریم و همکاران، ۱۳۹۷)
هزینه نمایندگی	Q*FCF	حاصل ضرب کیوتوبین در جریان نقد آزاد (پورکریم و همکاران، ۱۳۹۷)
استقلال کمیته حسابرسی	ACIND	درصد اعضای غیر موظف کمیته حسابرسی (دکاسترو و همکاران، ۲۰۱۹)
تخصیص مالی کمیته حسابرسی	ACEXP	درصد اعضای دارای تخصص مالی در کمیته حسابرسی (دکاسترو و همکاران، ۲۰۱۹)
تصدی حسابرِس	TENURE	اگر دوره تصدی حسابرِس ۴ سال یا بیشتر باشد عدد یک، و در غیر این صورت صفر خواهد بود (عباس زاده و همکاران، ۱۳۹۹)
نوع اظهار نظر	OPINION	اگر گزارش حسابرِس تعدیل نشده باشد عدد ۱ در غیر این صورت عدد صفر خواهد بود (عباس زاده و همکاران، ۱۳۹۹)
نسبت موجودی به دارایی‌ها	INVTA	نسبت مجموع موجودی مواد و کالا به کل دارایی‌ها (دکاسترو و همکاران، ۲۰۱۹)
نسبت حساب‌های دریافتی به دارایی‌ها	RECTA	نسبت کل حساب‌های دریافتی به کل دارایی‌ها (دکاسترو و همکاران، ۲۰۱۹)
بازده دارایی‌ها	ROA	عبارت است از تقسیم سود خالص بر دارایی‌های شرکت (نمازی و اسماعیل پور، ۱۴۰۰)
اهرم مالی	LEV	نسبت جمع بدهی به جمع دارایی‌ها در پایان دوره (عباس زاده و همکاران، ۱۳۹۹)
اندازه مؤسسه حسابرسی	BIG	اگر شرکت توسط سازمان حسابرسی یا موسسه حسابرسی مفید راهبر مورد حسابرسی قرار گرفته باشد عدد یک، و در غیر این صورت عدد صفر خواهد بود (عباس زاده و همکاران، ۱۳۹۹)
اندازه شرکت	SIZE	لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌ها در پایان دوره (مشایخی و عظیمی، ۱۳۹۵)
زیان شرکت	LOSS	در صورتی که شرکت زیان ده باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر (میرعلی و همکاران، ۱۳۹۷)
نسبت جاری	CR	این نسبت از تقسیم دارایی جاری بر بدهی جاری بدست می‌آید (ژول، کارلوس و چن، ۲۰۰۳)

منبع: یافته‌های پژوهشگر

### یافته‌های پژوهش

#### آمار توصیفی داده‌ها

در جدول ۳ آماره توصیفی مدل‌های پژوهش نشان داده شده است که بیانگر شاخص‌های توصیفی برای هر متغیر بصورت جداگانه است. این شاخص‌ها عموماً شامل اطلاعات مربوط به شاخص‌های مرکزی و پراکنندگی است که برای نمونه‌ای متشکل از ۹۴۴ سال-شرکت در بازه زمانی سال‌های ۱۳۹۲-۱۴۰۰ نشان داده شده است. بدلیل آنکه شرکت‌های استفاده شده در مدل‌های پژوهش برابر می‌باشند، آمار توصیفی بر حسب مدل-های پژوهش تفکیک نگردیده و به صورت یکجا ارائه شده است. میانگین بعنوان نشان دهنده نقطه تعادل، مهم‌ترین شاخص مرکزی برای نمایش مرکزیت داده‌هاست. بنابراین همانطور که مشاهده می‌شود، میانگین لحن غیرعادی گزارش‌های فعالیت هیئت مدیره برابر (۰/۵۲۹) است که نشان می‌دهد در نمونه مورد بررسی نسبت استفاده از واژگان مثبت به کل واژگان در گزارش‌های هیئت مدیره بطور میانگین حدود ۵۳ درصد است. بنابراین می‌توان بیان داشت، مدیران در مجموع از در تهیه گزارش‌های هیئت مدیره از واژگان مثبت بیشتری استفاده نموده‌اند. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد بطور متوسط سطح کیفی مدیریت سود بر حسب جونز تعدیل شده ۰/۱۰۴- می‌باشد.

جدول ۳. آمار توصیفی داده‌های کمی پژوهش

نام متغیر	نماد	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
مدیریت سود	EM	-۰/۰۰۰۷	۰/۲۱۴	-۱/۸۰۲	۳/۰۲۱
لحن غیرعادی گزارش‌های هیئت مدیره	AbTONE	۰/۵۲۹	۰/۲۱۴	۰/۰۰۰۱	۰/۹۵۷
حق الزحمه غیرعادی حسابرسی	ABFEE	۰/۰۰۵۵	۰/۶۱۵	-۱/۷۸۶	۲/۱۰۱
حق الزحمه عادی حسابرسی	LAF	۶/۹۷۷	۰/۸۰	۴/۳۴۳	۹/۳۴۸
سابقه لحن غیرعادی	HTC	۰/۰۷۲	۰/۰۵۹	۰/۰۰۰	۰/۷۴
لحن غیرعادی صنعت	ITC	۰/۰۸	۰/۰۳۳	۰/۰۰۰	۰/۴۸
جریان نقد عملیاتی	OCF	۰/۰۱۷۹	۰/۱۵۱	-۰/۷۱۹	۰/۸۳۷
نسبت کل بدهی‌ها به حقوق صاحبان سهام	TLSFU	۱/۷۰۲	۱/۷۸۸	۰/۰۷۹	۱۰/۵۸
فرصت‌های رشد	MBV	۲/۷۷۱	۱/۵۵۸	۰/۷۱۲	۹/۳۹
شاخص تقسیم سود نقدی	DIV	۰/۰۴۸	۰/۰۵۱۰	۰	۰/۶۰۸
لگاریتم طبیعی عمر شرکت	AGE	۳/۶۳	۰/۳۵۷	۲/۴۸	۴/۱۲۵
شاخص جریان نقد عملیاتی	CFD	۰/۱۱۳	۰/۱۲۶	-۰/۴۲	۰/۶۳۸
هزینه نمایندگی	Q*FCF	۰/۰۵۷	۰/۲۹	-۲/۵۴۵	۲/۱۶۱
استقلال کمیته حسابرسی	ACIND	۰/۶۶۸	۰/۱۹۳	۰	۱

نام متغیر	نماد	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
تخصیص مالی کمیته حسابرسی	ACEXP	۰/۷۲۲	۰/۲۶۲	۰/۲	۱
نسبت موجودی به دارایی‌ها	INVTA	۰/۲۳۲	۰/۱۳۸	۰/۰۱۵	۰/۷۲۶
نسبت حساب‌های دریافتی به دارایی‌ها	RECTA	۰/۲۶	۰/۱۸۴	۰	۰/۹۲۳
بازده دارایی‌ها	ROA	۰/۱۰۵	۰/۱۳۶	-۰/۶۰۳	۰/۶۲۲
اهرم مالی	LEV	۰/۵۴۲	۰/۲۰۱	۰/۰۵۶	۰/۹۴۹
اندازه شرکت	SIZE	۱۴/۱۲۰	۱/۴۱۸	۱۱/۰۷۴	۱۹/۳۲۹
نسبت جاری	CR	۱/۶۷۵	۱/۴۴۱	۰/۲۰۵	۱۳/۱۴۶

منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول ۴ آمار توصیفی متغیرهای کیفی پژوهش شامل متغیرهای دارای دو ارزش صفر و یک را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌گردد از ۹۴۴ سال-شرکت، تعداد ۴۸۳ سال-شرکت یعنی ۵۱/۱۷ درصد شرکت‌ها فروش صادراتی داشته و تعداد ۴۶۱ سال-شرکت معادل ۴۸/۸۳ درصد شرکت‌ها فروش صادراتی نداشته‌اند. همچنین در ۲۷/۶۸ درصد شرکت‌ها مسئولیت حسابرسی بر عهده سازمان حسابرسی و یا موسسه حسابرسی مفید راهبرد بوده است. تقریباً ۱۲ درصد شرکت‌ها در دوره مالی مورد بررسی زیان گزارش نموده‌اند.

جدول ۴. آمار توصیفی داده‌های کیفی پژوهش

نام متغیر	نماد	وجود		عدم وجود	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد
شاخص فروش صادراتی	FORREV	۴۸۳	۵۱/۱۷	۴۶۱	۴۸/۸۳
تصدی حسابرسی	TENURE	۱۵۹	۱۶/۸۴	۷۸۵	۸۳/۱۶
نوع اظهار نظر	OPINION	۴۸۳	۵۱/۱۷	۴۶۱	۴۸/۸۳
اندازه موسسه حسابرسی	BIG	۲۶۱	۲۷/۶۸	۶۸۳	۷۲/۳۲
زیان شرکت	LOSS	۱۱۵	۱۲/۱۸	۸۲۹	۸۷/۸۲

منبع: یافته‌های پژوهشگر

### آزمون فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌های پژوهش با استفاده از رگرسیون چند متغیره با در نظر گرفتن اثرات ثابت سال و صنعت آزمون شده است. همچنین پیش فرض‌های رگرسیون نیز بررسی و تایید شده‌اند. در نهایت مدل‌های پژوهش برآورد و در ادامه ارائه شده است.

۱-۶- یافته‌های آزمون فرضیه اول پژوهش

در فرضیه اول پژوهش مطرح گردید مدیریت سود با لحن زبان غیرعادی گزارش‌های فعالیت هیئت مدیره ارتباط مثبت و معنادار دارد. بدین ترتیب تاثیر مدیریت سود با استفاده از مدل جونز تعدیل شده بر لحن غیرعادی گزارش‌های فعالیت هیئت مدیره مورد سنجش قرار گرفت. نتایج حاصل از برازش مدل اول پژوهش در جدول ۵ ارائه شده است. همانطور که مشاهده می‌شود مقدار ضریب و احتمال متغیر مدیریت سود در مدل ۱ به ترتیب برابر با ۰/۷۰۹ و ۲/۲۹ است. در جدول ۵ اعداد مثبت (منفی) در ستون ضرایب، نشان دهنده میزان تأثیر مستقیم یا معکوس هر یک از متغیرها بر متغیر وابسته یعنی لحن گزارش‌های فعالیت هیئت مدیره است. چنانچه مقدار احتمال آماره هر متغیر کمتر از ۰/۵ باشد، معنادار بودن تأثیر آن متغیر بر متغیر وابسته را نشان می‌دهد.

جدول ۵. یافته‌های آزمون فرضیه اول

متغیر وابسته: لحن غیرعادی گزارش‌های فعالیت هیئت مدیره					
متغیر	نماد	ضرایب	احتمال	خطای استاندارد	آماره z
مدیریت سود	EM	۰/۷۰۹	۰/۰۲۲	۰/۳۰۹۱	۲/۲۹
اندازه شرکت	SIZE	۰/۰۲۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۴۲	۴/۸۱
جریان نقد عملیاتی	OCF	-۰/۰۰۵	۰/۲۳۶	۰/۰۴۲۵	-۱/۱۸
نسبت مالی	TLSFU	۰/۰۰۲	۰/۳۳۱	۰/۰۰۲۴	۰/۹۷
فرصت‌های رشد	MBV	-۰/۰۰۳	۰/۴۲۹	۰/۰۰۳۸	-۰/۷۹
سود تقسیمی	DIV	-۰/۱۲۰	۰/۲۷۸	۰/۱۱۰۹	-۱/۰۸
فروش صادراتی	Forrev	۰/۰۳۵	۰/۰۰۱	۰/۰۱۰۹	۳/۲۱
سن شرکت	Age	-۰/۰۰۳	۰/۸۶۸	۰/۰۱۹۹	-۰/۱۷
بازده دارایی‌ها	ROA	۰/۰۱۷۶	۰/۷۶۲	۰/۰۵۸۲	۰/۳۰
شاخص جریان نقد	CFD	-۰/۰۵۳	۰/۴۶۳	۰/۰۷۳۲	۰/۷۳
هزینه نمایندگی	QFCF	۰/۰۲۶۸	۰/۲۱۷	۰/۰۲۱۷	۱/۲۳
سابقه لحن غیرعادی	HTC	۰/۰۶۴۴	۰/۳۳۹	۰/۰۶۷۳	۰/۹۶
لحن غیرعادی صنعت	ITC	-۰/۰۷۹	۰/۴۸۵	۰/۱۱۳۸	-۰/۷۰
عرض از مبدأ		۰/۲۵۵	۰/۰۰۵	۰/۰۹۰۴	۲/۸۲
ضریب تعیین			۵۵ درصد		
آماره والد			۱۶۶/۲۲		
سطح معناداری			۰/۰۰۰۰		
اثرات سال			کنترل شده است		
اثرات صنعت			کنترل شده است		

منبع: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به اینکه سطح معناداری مدیریت سود تعهدی (مدل جونز تعدیل شده) کمتر از ۵ درصد بوده و ضرایب مثبت است بنابراین فرضیه اول براساس مدل فوق پذیرفته می‌شود. به بیان دیگر بین مدیریت سود و لحن غیرعادی گزارش‌های فعالیت هیئت مدیره ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد و با افزایش مدیریت سود تعهدی لحن غیرعادی زبان گزارش‌های توضیحی مدیران افزایش می‌یابد. مطابق با تئوری علامت دهی مدیران شرکت‌ها به منظور حل مشکلات ناشی از عدم تقارن اطلاعاتی، اقدام به دستکاری اقلام تعهدی اختیاری نموده، تا از این طریق محتوای اطلاعاتی سود را بهبود بخشیده و چشم اندازی مثبت از شرکت به بازار مخابره نمایند (لوییز و رابینسون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵). در حقیقت سطح بالای اقلام تعهدی اختیاری می‌تواند احتمال وجود مدیریت سود تعهدی را تقویت نماید و براین اساس هرچه مدیریت سود در سطح بالایی قرار داشته باشد، مدیران جهت تنظیم گزارش‌های توضیحی سالانه از واژگان مثبت بیشتری استفاده می‌نمایند و تاکید گزارش‌های منتشره را بر نتایج مثبت می‌گذارند. بیان مغرضانه و غیرعادی از وضعیت شرکت در گزارش‌ها نسبت به عملکرد واقعی کسب شده می‌تواند نشان از انحراف ادراک استفاده‌کنندگان از اطلاعات باشد. در حقیقت مدیریت ادراک مخاطبان اطلاعات مالی را می‌توان، توصیفی از واکنش مدیران در جهت پوشش نتایج منفی بدست آمده دانست. بنابراین نتایج این فرضیه مطابق با نتایج پیش بینی شده در مبانی نظری پژوهش است. نتایج این پژوهش با یافته‌های کید و مگبل (۲۰۲۲)، ابوالسود و الساید (۲۰۲۲)، آیاتریدس (۲۰۱۶)، ناکاشیما و زیبرت (۲۰۱۶)، هانگ، تئو و ژانگ (۲۰۱۴)، حسینی و جمالیان پور (۱۴۰۱)، پورکریم، جبارزاده کنگرلوئی، بحری ثالث و قلاوندی (۱۳۹۷)، میرعلی، غلامی مقدم و حصارزاده (۱۳۹۷) و رهنمای رودپشتی و محسنی (۱۳۹۷) سازگار است.

## ۲-۶- یافته‌های آزمون فرضیه‌های دوم و سوم پژوهش

در فرضیه‌های دوم و سوم پژوهش مطرح گردید که لحن غیرعادی گزارش‌های فعالیت هیئت مدیره با حق الزحمه‌های عادی و غیرعادی حسابرسی ارتباط مثبت و معناداری دارد. بدین ترتیب تأثیر لحن غیرعادی گزارش‌های فعالیت هیئت مدیره در قالب فراوانی واژگان مثبت و منفی بر حق الزحمه‌های عادی و غیرعادی حسابرسی مورد سنجش قرار گرفت. نتایج حاصل از برآزش مدل دوم و سوم پژوهش در جدول ۶ ارائه شده است. همانطور که مشاهده می‌شود مقدار ضریب و احتمال متغیر لحن غیرعادی گزارش‌های توضیحی در مدل ۲ به ترتیب برابر با ۰/۹۷۱۷ و ۴/۳۰ است. از طرفی مقدار ضریب و احتمال متغیر لحن غیرعادی گزارش‌های توضیحی در مدل ۳ به ترتیب برابر با ۱/۲۱۳۷ و ۴/۵۱ است. در جدول ۶ نیز اعداد مثبت (منفی) در ستون ضرایب، نشان دهنده میزان تأثیر مستقیم یا معکوس هر یک از متغیرها بر متغیر وابسته یعنی حق الزحمه

<sup>۱</sup> . Louis & Robinson

عادی و غیرعادی حسابرسی است. بنابراین چنانچه مقدار احتمال آماره هر متغیر کمتر از ۰/۵ باشد، معنادار بودن تأثیر آن متغیر بر متغیر وابسته را نشان می‌دهد.

جدول ۶. یافته‌های آزمون فرضیه چهارم و پنجم

متغیر وابسته: حق الزحمه حسابرسی									
حق الزحمه غیرعادی				حق الزحمه عادی				نماد	متغیر
آماره z	خطای استاندارد	احتمال	ضرایب	آماره z	خطای استاندارد	احتمال	ضرایب		
۴/۵۱	۰/۲۶۹۱	۰/۰۰۰	۱/۲۱۳۷	۴/۳۰	۰/۲۲۶۱	۰/۰۰۰	۰/۹۷۱۷	AbTon	لحن زبان غیرعادی
۰/۰۵	۰/۰۹۲	۰/۹۵۶	۰/۰۰۵	۰/۳۴	۰/۰۸۴	۰/۷۳۱	۰/۰۲۸۸	ACIND	استقلال کمیته حسابرسی
-۰/۵۲	۰/۰۵۳۷	۰/۶۰۴	-۰/۰۲۷۸	۰/۸۶	۰/۰۶۴۷	۰/۳۹۳	۰/۰۵۵۳	ACEXP	تخصص کمیته حسابرسی
۱/۶۶	۰/۰۴۶۶	۰/۰۹۶	۰/۰۷۷۶	۳/۲۲	۰/۰۴۱۶	۰/۰۰۱	۰/۱۳۴۳	TENURE	دوره تصدی حسابرس
۳/۳۰	۰/۰۳۶۳	۰/۰۰۱	۰/۱۱۹۹	۳/۱۹	۰/۰۳۷	۰/۰۰۱	۰/۱۱۸۲	OPINION	اظهار نظر حسابرس
۰/۳۸	۰/۱۱۳۴	۰/۷۰۷	۰/۰۴۲۵	۰/۰۷	۰/۱۴۰۴	۰/۹۴۱	۰/۰۱۰۳	INVTA	نسبت موجودی به دارایی‌ها
-۲/۷۴	۰/۰۹۲۴	۰/۰۰۶	-۰/۲۵۳۷	-۱/۴۸	۰/۱۰۳۱	۰/۱۳۹	-۰/۱۵۲۶	RECTA	نسبت حساب‌های دریافتنی به دارایی‌ها
۰/۴۱	۰/۱۳۲۷	۰/۶۸۵	۰/۰۵۳۹	-۲/۰۲	۰/۱۵۶۷	۰/۰۴۳	-۰/۳۱۶۹	ROA	بازده دارایی‌ها
۲/۶۶	۰/۰۷۹۴	۰/۰۰۸	۰/۲۱۱۴	۰/۲۲	۰/۱۱۵۱	۰/۸۲۹	۰/۰۲۴۷	LEV	اهرم مالی
-۴/۷۰	۰/۰۱۱۹	۰/۰۰۰	-۰/۰۵۶۳	۱۷/۸۸	۰/۰۱۵۵	۰/۰۰۰	۰/۲۷۸۳	SIZE	اندازه شرکت
۱/۸۶	۰/۰۳۴۷	۰/۰۶۳	۰/۰۶۴۶	۱/۸۸	۰/۰۵۸۶	۰/۰۶۰	۰/۱۱۰۱	Age	سن شرکت
۲۱/۶۶	۰/۰۲۹۹	۰/۰۰۰	۰/۶۴۷۷	۱۳/۷۲	۰/۰۴۶۹	۰/۰۰۰	۰/۶۴۴۳	BIG	اندازه مؤسسه حسابرسی
-۳/۰۴	۰/۳۴۷۳	۰/۰۰۲	-۱/۰۵۴۶	-۳/۱۴	۰/۲۶۳۴	۰/۰۰۲	-۰/۸۲۷	HTC	سابقه لحن غیرعادی
-۰/۳۰	۰/۶۴۱۱	۰/۷۶۳	-۰/۱۹۳۴	-۱/۱۸	۰/۴۸۴۴	۰/۲۳۶	-۰/۵۷۳۹	ITC	لحن غیرعادی صنعت
۱/۲۶	۰/۲۴۲۸	۰/۲۰۹	۰/۳۰۵۳	۷/۵۱	۰/۳۳۴۰	۰/۰۰۰	۲/۵۰۷۶		عرض از مبدأ

متغیر وابسته: حق الزحمه حسابرسی								متغیر	نماد
حق الزحمه غیرعادی				حق الزحمه عادی					
آماره z	خطای استاندارد	احتمال	ضرایب	آماره z	خطای استاندارد	احتمال	ضرایب		
		۳۰ درصد				۶۳ درصد		ضریب تعیین	
		۳۰۴۷/۰۴				۶۶۵۶/۱۷		آماره والد	
		۰/۰۰۰۰				۰/۰۰۰۰		سطح معناداری	
		کنترل شده است				کنترل شده است		اثرات سال	
		کنترل شده است				کنترل شده است		اثرات صنعت	

منبع: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به اینکه سطح معناداری متغیر لحن غیرعادی گزارش‌های توضیحی کمتر از ۵ درصد بوده و ضرایب مثبت است، بنابراین فرضیه دوم و سوم پژوهش پذیرفته شده و می‌تواند بیان داشت بین لحن غیرعادی گزارش‌های فعالیت هیئت مدیره و حق الزحمه عادی و غیرعادی حسابرسی ارتباط مستقیمی وجود دارد. باتوجه به مطالب فوق می‌توان بیان داشت، شرکت‌هایی که لحن گزارش‌های فعالیت هیئت مدیره آنها بصورتی غیرعادی ارائه شده باشد، حق الزحمه‌های حسابرسی عادی و غیرعادی بالاتری را برای شرکت‌ها در پی داشته است. همانطور که پیش تر نیز بیان گردید، حق الزحمه حسابرسی مورد قبول مدیران با علم به شرایط درونی شرکت و کیفیت گزارش‌های مالی پذیرفته می‌شود. بنابراین اهداف مدیران (چه آشکار و چه پنهان) در تعیین حق الزحمه حسابرسی در زمان تنظیم قرارداد حسابرسی اثرگذار بوده است. از طرفی حسابرسان لحن گزارش‌های فعالیت هیئت مدیره را در ارزیابی خطر حسابرسی مد نظر قرار می‌دهند چرا که چگونگی و نوع بیان ارائه اطلاعات می‌تواند بر ریسک حسابرسی تاثیر گذار باشد. بنابراین حسابرسان در تصمیم‌گیری احتمالاً به منشأ لحن گزارش‌های فعالیت هیئت مدیره توجه می‌نمایند، همانطور که از نتایج فرضیه اول پژوهش استنباط گردید، شرکت‌ها با مدیریت سود تعهدی به منظور منحرف نمودن ادارک استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی، گزارش‌های سالانه خود را با لحنی غیرعادی ارائه می‌نمایند. بدین ترتیب هرچه گزارش‌های فعالیت هیئت مدیره با لحن مثبت‌تری بیان شده باشد نشان دهنده احتمال وجود مدیریت سود در گزارش‌های ارائه شده شرکت‌ها بوده، که این امر می‌تواند تلاش حسابرسان را در جهت مدیریت ریسک بالای حسابرسی اینگونه شرکت‌ها افزایش داده که نتیجه‌ای جز صرف زمان بیشتر در رسیدگی‌های حسابرسی و به تبع آن افزایش حق الزحمه حسابرسی را در پی نخواهد داشت. نتایج این پژوهش با یافته‌های دکاسترو، ژول، موتاکین و میریت (۲۰۱۹) و لیو (۲۰۱۵) و بزرگ اصل و همکاران (۱۴۰۰) سازگار نمی‌باشد.

۳-۶- یافته‌های آزمون فرضیه‌های چهارم و پنجم پژوهش

در فرضیه چهارم و پنجم پژوهش بیان گردید مدیریت سود با حق الزحمه عادی و غیرعادی حسابرسی ارتباط مثبت و معناداری دارد. بدین ترتیب تأثیر مدیریت سود با استفاده از مدل جونز تعدیل شده بر حق الزحمه عادی و غیرعادی حسابرسی مورد سنجش قرار گرفت. نتایج حاصل از برازش مدل‌های ۴ و ۵ پژوهش در جدول شماره ۷ ارائه شده است. همانطور که مشاهده می‌شود مقدار ضریب و احتمال متغیر مدیریت سود در مدل ۴ به ترتیب برابر با ۰/۶۸۴۴ و ۱۰/۴۲ است. از طرفی مقدار ضریب و احتمال متغیر مدیریت سود در مدل ۵ به ترتیب برابر با ۰/۲۶۷۸ و ۵/۹۴ است. همچنین اعداد مثبت (منفی) در ستون ضرایب، نشان دهنده میزان تأثیر مستقیم یا معکوس هر یک از متغیرها بر متغیر وابسته یعنی حق الزحمه عادی و غیرعادی حسابرسی است. چنانچه مقدار احتمال آماره هر متغیر کمتر از ۰/۵ باشد، معنادار بودن تأثیر آن متغیر بر متغیر وابسته را نشان می‌دهد.

جدول ۷. یافته‌های آزمون فرضیه دوم و سوم

متغیر وابسته: حق الزحمه حسابرسی									
حق الزحمه غیرعادی				حق الزحمه عادی				نماد	متغیر
آماره z	خطای استاندارد	احتمال	ضرایب	آماره z	خطای استاندارد	احتمال	ضرایب		
۵/۹۴	۰/۰۴۵	۰/۰۰۰	۰/۲۶۷۸	۱۰/۴۲	۰/۰۶۵۶	۰/۰۰۰	۰/۶۸۴۴	EM	مدیریت سود
۳/۶۱	۰/۰۳۶۴	۰/۰۰۰	۰/۱۳۱۵	۱/۸۸	۰/۰۴۵۸	۰/۰۶۰	۰/۰۸۶۴	OPINION	اظهاری نظر حسابرسی
۱/۵۵	۰/۰۶۱۷	۰/۱۲۱	۰/۰۹۵۸	۱/۴۴	۰/۰۵۷۸	۰/۱۵۱	۰/۰۸۳	LOSS	زیان شرکت
-۱/۱۹	۰/۰۰۹۶	۰/۲۳۳	-۰/۰۱۱۵	-۰/۶۶	۰/۰۱۳۹	۰/۵۰۷	-۰/۰۰۹۲	CR	نسبت جاری
۰/۱۹	۰/۱۱۰۵	۰/۸۴۶	۰/۰۲۱۵	-۰/۱۹	۰/۱۴۷۴	۰/۸۵۱	-۰/۰۲۷۷	INVTA	نسبت موجودی به دارایی‌ها
-۲/۹۵	۰/۰۸۲۲	۰/۰۰۳	-۰/۲۴۲۳	-۱/۸۰	۰/۱۱۸۸	۰/۰۷۲	-۰/۲۱۳۶	RECTA	نسبت حساب‌های دریافتی به دارایی‌ها
۰/۲۲	۰/۱۳۱۹	۰/۸۲۴	۰/۰۲۹۳	-۰/۱۱	۰/۱۷۲۳	۰/۹۱۰	-۰/۰۱۹۴	ROA	بازده دارایی‌ها
-۵/۵۲	۰/۰۱۱۳	۰/۰۰۰	-۰/۰۶۲۷	۱۲/۷۴	۰/۰۱۹۰	۰/۰۰۰	۰/۲۴۳	SIZE	اندازه شرکت
۳۰/۰۶	۰/۰۲۳۵	۰/۰۰۰	۰/۷۰۶۵	۱۶/۸۵	۰/۰۴۲۴	۰/۰۰۰	۰/۷۱۵۷	BIG	اندازه مؤسسه حسابرسی
-۱/۴۷	۰/۳۲۴	۰/۱۴۰	-۰/۴۷۷۷	-۱/۲۱	۰/۲۹۰۱	۰/۲۲۵	-۰/۳۵۲۴	HTC	سابقه لحن غیرعادی
۱/۰۶	۰/۵۹۸۹	۰/۲۸۹	۰/۶۳۵۰	-۰/۶۱	۰/۵۷۹	۰/۵۴۱	-۰/۳۵۳۷	ITC	لحن غیرعادی صنعت
۴/۳۴	۰/۱۸۱۶	۰/۰۰۰	۰/۷۸۹۳	۱۲/۳۷	۰/۳۰۲۱	۰/۰۰۰	۳/۷۳۹۲		عرض از مبدأ



متغیر وابسته: حق الزحمه حسابرسی								متغیر	نماد
حق الزحمه غیرعادی				حق الزحمه عادی					
آماره z	خطای استاندارد	احتمال	ضرایب	آماره z	خطای استاندارد	احتمال	ضرایب		
		۳۰ درصد				۶۸ درصد		ضریب تعیین	
		۲۳۴۱/۶۷				۱۴۹۰/۹۹		آماره والد	
		۰/۰۰۰۰				۰/۰۰۰۰		سطح معناداری	
		کنترل شده است				کنترل شده است		اثرات سال	
		کنترل شده است				کنترل شده است		اثرات صنعت	

منبع: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به اینکه سطح معناداری مدیریت سود در مدل‌های ۴ و ۵ کمتر از ۵ درصد بوده و ضرایب مثبت است، بنابراین فرضیه‌های چهارم و پنجم پژوهش پذیرفته می‌شود. بدین ترتیب می‌توان گفت بین مدیریت سود تعهدی و حق الزحمه‌های عادی و غیرعادی حسابرسی ارتباط مستقیمی وجود دارد. پژوهش‌های پیشین بیان داشتند، حسابرسان کیفیت پایین اطلاعات حسابداری را با دریافت حق الزحمه بالاتر قیمت‌گذاری می‌نمایند. یعنی از شرکت‌های دارای کیفیت حسابداری پایین، حق الزحمه‌ای بیشتر دریافت می‌دارند (واعظ، آرمن و شبیه، ۱۳۹۷). از سوی دیگر می‌توان بیان داشت مدیرانی که در گزارش‌های مالی خود از مدیریت سود تعهدی استفاده نموده‌اند، معمولاً در قراردادهای حسابرسی خود حق الزحمه‌های بالاتری را پرداخت می‌کنند تا بتوانند بر نظر و ارزیابی‌های حسابرسان تأثیرگذار بوده و به نوعی اقدام به خرید نظر آنها نمایند. لو (۲۰۰۶)، به استناد تئوری نمایندگی نشان داد که خرید نظر حسابرسان از هزینه‌های نمایندگی نشأت می‌گیرد. بدین ترتیب مدیران با تحت فشار قراردادن حسابرسان در پی آن هستند تا با پرداخت حق الزحمه‌ای بالاتر، نظر حسابرسان را با خود همسو نموده تا بدین طریق حسابرسان اظهار نظری مطلوب ارائه نمایند (امیری و فخاری، ۱۳۹۹). مطابق با تئوری خرید اظهار نظر، با از بین رفتن استقلال حسابرسان منافع ذینفعان تابع اهداف گزارشگری مدیریت می‌شود (آرچام بالت و دو زورت<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱). بدین ترتیب نتایج فرضیه چهارم و پنجم پژوهش بیان داشت هرچه مدیریت سود شرکت‌ها در سطح بالاتری قرار داشته باشد، افزایش حق الزحمه حسابرسان چه عادی و چه غیرعادی را به دنبال خواهد داشت. نتایج این فرضیه مطابق با نتایج پیش بینی شده در مبانی نظری پژوهش است و با یافته‌های پژوهش تانگ و هان (۲۰۲۳)، یانگ و همکاران (۲۰۱۸) و هرپار و همکاران (۲۰۱۴) مطابقت دارد.

<sup>1</sup>. Archambeault and DeZoort

#### ۴-۶- یافته‌های آزمون فرضیه ششم پژوهش

در فرضیه ششم پژوهش نقش میانجی‌گری لحن غیرعادی گزارش‌های فعالیت هیئت مدیره در رابطه بین مدیریت سود تعهدی و حق الزحمه‌های عادی حسابرسی مورد بررسی قرار گرفت. جهت آزمون معناداری نقش متغیر میانجی فرضیه ششم براساس نتایج بدست آمده از برازش و نتایج مدل‌های ۱ و ۲ از آزمون سوبل استفاده شده است که نتایج آن در جدول ۸ ارائه گردیده است. بدین ترتیب تخمین ارتباط بین مدیریت سود تعهدی با لحن غیرعادی گزارش‌های مدیریت، در مدل اول انجام گرفته و نتایج بیان داشت بین این متغیرها ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. باتوجه به جدول شماره ۵، ضریب مسیر میان متغیر مستقل و میانجی ۲/۲۹ بدست آمد. از طرفی دیگر تخمین ارتباط بین لحن غیرعادی گزارش‌های فعالیت هیئت مدیره با حق الزحمه عادی حسابرسی، در فرضیه دوم انجام گرفته و وجود ارتباط مثبت و معنادار بین این دو متغیر نیز تایید شده است. بدین ترتیب باتوجه به جدول شماره ۶، ضریب مسیر میان متغیر میانجی و وابسته ۴/۳۰ بدست آمد.

جدول ۸. یافته‌های آزمون فرضیه ششم

نوع آزمون	آماره آزمون	سطح معناداری	شمول واریانس (VAF)	نتیجه
آزمون سوبل	۲/۰۲۱	۰/۰۴۳	۰/۵۰۱۷	میانجی‌گری جزئی
آزمون آرویان	۱/۹۷۹	۰/۰۴۷		
آزمون گودمن	۲/۰۶۵	۰/۰۳۸		

منبع: یافته‌های پژوهشگر

در نهایت با توجه به اینکه آماره سوبل (جوزن تعدیل شده) ۲/۰۲۱ و سطح معناداری آنها کمتر از ۵ درصد (۰/۰۴۳) است بنابراین این فرضیه پذیرفته می‌شود یعنی اثر میانجی لحن غیرعادی گزارش‌های فعالیت هیئت مدیره بر ارتباط بین مدیریت سود تعهدی (جوزن تعدیل شده) و حق الزحمه عادی حسابرسی معنادار است. مطابق با جدول ۸ نتایج آزمون‌های دیگر نیز با وجود سطح معناداری کمتر از ۵ درصد، بیانگر وجود رابطه مثبت نقش میانجی‌گری لحن غیرعادی گزارش‌های مدیران در رابطه بین مدیریت سود و حق الزحمه عادی حسابرسی است.

#### ۴-۵- یافته‌های آزمون فرضیه هفتم پژوهش

در فرضیه هفتم پژوهش نقش میانجی‌گری لحن غیرعادی گزارش‌های فعالیت هیئت مدیره در رابطه بین مدیریت سود تعهدی و حق الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی مورد بررسی قرار گرفت. جهت آزمون معناداری نقش متغیر میانجی فرضیه هفتم براساس نتایج بدست آمده از برازش و نتایج مدل‌های ۱ و ۳ از آزمون سوبل

استفاده شده است که نتایج آن در جدول ۹ ارائه گردیده است. بدین ترتیب تخمین ارتباط بین مدیریت سود تعهدی با لحن غیرعادی گزارش‌های مدیریت، در مدل اول انجام گرفته و نتایج بیان داشت بین این متغیرها ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. باتوجه به جدول شماره ۵، ضریب مسیر میان متغیر مستقل و میانجی ۲/۲۹ بدست آمد. از طرفی دیگر تخمین ارتباط بین لحن غیرعادی گزارش‌های فعالیت هیئت مدیره با حق الزحمه غیرعادی حسابرسی، در فرضیه سوم انجام گرفته و وجود ارتباط مثبت و معنادار بین این دو متغیر نیز تایید شده است. بدین ترتیب باتوجه به جدول شماره ۶، ضریب مسیر میان متغیر میانجی و وابسته ۴/۵۱ بدست آمد.

جدول ۹. یافته‌های آزمون فرضیه هفتم

نوع آزمون	آماره آزمون	سطح معناداری	شمول واریانس (VAF)	نتیجه
آزمون سوپل	۲/۰۴۱	۰/۰۴۱	۰/۷۱۹۹	میانجی‌گری جزئی
آزمون آرویان	۲/۰۰۳	۰/۰۴۵		
آزمون گودمن	۲/۰۸۲	۰/۰۳۷		

منبع: یافته‌های پژوهشگر

در نهایت با توجه به اینکه آماره سوپل (جوز تعدیل شده) ۲/۰۴۱ و سطح معناداری آنها کمتر از ۵ درصد (۰/۰۴۱) است بنابراین این فرضیه پذیرفته می‌شود یعنی اثر میانجی لحن غیرعادی گزارش‌های فعالیت هیئت مدیره بر ارتباط بین مدیریت سود تعهدی (جوز تعدیل شده) و حق الزحمه غیرعادی حسابرسی معنادار است. مطابق با جدول ۹ نتایج آزمون‌های دیگر نیز با وجود سطح معناداری کمتر از ۵ درصد، بیانگر وجود رابطه مثبت نقش میانجی‌گری لحن غیرعادی گزارش‌های مدیران در رابطه بین مدیریت سود تعهدی و حق الزحمه غیرعادی حسابرسی است.

### بحث و نتیجه گیری

بخش زیادی از گزارش‌های فعالیت هیئت مدیره بصورت اطلاعات متنی ارائه می‌گردد که این موضوع می‌تواند وسیله‌ای قدرتمند در جهت مدیریت ادارک و احساس استفاده کنندگان اطلاعات به واسطه استفاده از واژگان مثبت یا منفی در گزارش‌ها باشد. گزارش‌های کیفی (توضیحی) تهیه شده توسط مدیران مکملی مهم جهت افشا اطلاعات صورت‌های مالی شرکت است. بدین جهت این احتمال وجود دارد که حسابرسان لحن گزارش‌های مالی مدیران را در انتخاب صاحبکار و ارزیابی خطر حسابرسی در نظر گرفته که این امر نهایتاً می‌تواند بر حق الزحمه تعیین شده توسط آنان موثر باشد. گزارشگری مالی پیچیده و باخوانایی کم می‌تواند تلاش حسابرسان را برای مدیریت ریسک پروژه‌های حسابرسی افزایش دهد و این افزایش تلاش حسابرسان منجر به

صرف زمان بررسی و رسیدگی بیشتر شده که این امر می‌تواند منتج به افزایش حق الزحمه حسابرسی گردد (کازمی علوم و همکاران، ۱۳۹۹). بنابراین در این پژوهش به بررسی تاثیر نقش میانجی لحن غیرعادی زبان گزارش‌های فعالیت هیئت مدیره بر رابطه بین مدیریت سود و حق الزحمه حسابرسی پرداخته شد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که هرچه مدیران از مدیریت سود تعهدی در گزارش‌های مالی شرکت استفاده نموده باشند، گزارش‌های فعالیت سالانه خود را بصورت مغرضانه و غیرعادی با لحنی مثبت ارائه می‌نمایند. به عبارت دیگر مدیران با انحراف ادراک استفاده‌کنندگان به دنبال پنهان نمودن عملکرد نامطلوب احتمالی خود می‌باشند. این موضوع موافق با تئوری فرصت طلبانه مدیران است. از طرفی دیگری هرچه لحن زبان گزارش‌های فعالیت هیئت مدیره بصورت غیرعادی ارائه گردد، حق الزحمه حسابرسی بیشتری را برای شرکت‌ها رقم خواهد زد که این موضوع می‌تواند به دلیل توجه حسابرسان به منشأ لحن گزارش‌های مدیریت باشد. از آنجایی که گزارش‌های فعالیت هیئت مدیره در ایران مورد اظهار نظر رسمی حسابرسان قرار نمی‌گیرد، بدین معنی که گزارشی رسمی توسط حسابرسان درباره این گزارش‌ها منتشر نمی‌گردد و حتی متهم نمودن مدیران به استفاده غیراخلاقی از واژگان مثبت یا منفی به نفع خود بسیار مشکل است، راهکاری کم ریسک در جهت پنهان نمودن کیفیت نامطلوب گزارش‌های مالی، تحت تاثیر قرار دادن ادراک استفاده‌کنندگان خواهد بود. که در نهایت با افزایش ریسک حسابرسی، تقاضا برای حق الزحمه بالاتر توسط حسابرسان را در پی خواهد داشت. در ادامه مطابق با نتایج پژوهش می‌توان بیان داشت، شرکت‌هایی که از مدیریت سود تعهدی در گزارش‌های مالی خود استفاده نموده‌اند، حق الزحمه عادی و غیرعادی بالاتری را به حسابرسان پرداخت می‌نمایند، که این موضوع مطابق با نتایج پیش بینی شده در مبنای نظری پژوهش بوده و موافق با تئوری نمایندگی است. با توجه به تأیید مفروضات قبلی می‌توان به نقش میانجی لحن غیرعادی در ارتباط بین مدیریت سود و حق الزحمه‌های عادی و غیرعادی حسابرسی پرداخت. بنابراین با توجه به آزمون فرضیه‌های نهایی پژوهش می‌توان بیان داشت که لحن غیرعادی گزارش‌های توضیحی مدیران می‌تواند به عنوان عاملی تأثیرگذار بر روابط بین مدیریت سود و حق الزحمه عادی و غیرعادی حسابرسی ایفای نقش نماید.

بطور کلی به منظور استنتاج از نتایج پژوهش باید در خصوص رفتار فرصت طلبانه مدیران از لحن غیرعادی گزارش‌های سالانه جوانب احتیاط را رعایت نمود، چرا که نتایج این پژوهش، استدلالی احتمالی از کاربرد مغرضانه واژگان مثبت یا منفی ارائه می‌نماید و تنها نیات واقعی استفاده از لحن برای شخص مدیریت معلوم خواهد بود. این پژوهش به درک استفاده‌کنندگان از اطلاعات توضیحی کمک می‌نماید تا متناسب با واکنش فزاینده بازار نسبت به گزارش‌های کمی سالانه، به گزارش‌های کیفی ارائه شده به عنوان منبعی ارزشمند از اطلاعات توجه بیش از پیش نمایند. بنابراین، این پژوهش لحن غیرعادی گزارش‌های فعالیت هیئت مدیره را متغیری مهم و تاثیرگذار در جهت درک بهتر استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی می‌داند. نتایج این پژوهش توجه استفاده‌کنندگان از اطلاعات را جهت اخذ هرگونه تصمیم به کلیه عوامل جلب می‌نماید تا از این طریق صرفاً لحن گزارش‌های شرکت مبنای تصمیم‌گیری‌ها قرار نگیرد. همچنین مشخصاً به حسابرسان توصیه

می‌گردد ارزیابی ریسک حسابرسی را متناسب با تأثیر ویژگی‌های لحن افشای گزارش‌های فعالیت هیئت مدیره افزایش داده و این موضوع را به عنوان شاخصی در جهت ارزیابی ریسک حسابرسی مورد توجه قرار دهند. از طرفی در صورت نبود استاندارد واحد برای گزارش‌های توضیحی مدیران و عدم بررسی گزارش‌های سالانه، این امکان برای مدیران فراهم می‌گردد تا گزارش‌هایی با لحن کاملاً مثبت ارائه داده تا وضعیت نامساعد شرکت را پنهان نمایند و بدین ترتیب استفاده کنندگان از اطلاعات را در زمان انتخاب تصمیم درست گمراه نماید. این امر می‌تواند منجر به عدم اعتماد استفاده کنندگان از اطلاعات به پیام‌های متنی گزارش شده توسط تمامی مدیران گردد. بدین جهت پیشنهاد می‌گردد قانون‌گذاران و مجامع حرفه‌ای با وضع قوانین و ارائه استاندارد واحد، آزادی مدیران در انتخاب واژگان را محدود نموده تا مانعی بر کنترل ادراک استفاده کنندگان از اطلاعات توسط مدیران باشند. بدین ترتیب انتظار می‌رود قوانینی حاکم بر افشای کیفی اطلاعات متناسب با قوانین و استانداردهای موجود در خصوص افشای کمی اطلاعات وضع گردد. همچنین سازمان حسابرسی به‌عنوان متولی استانداردهای حسابداری و حسابرسی، اقدام به تدوین رهنمودهای مرتبط با چگونگی بکارگیری لحن زبان در گزارش‌های ارائه شده توسط مدیران نماید تا از این طریق مانع از پیامدهای منفی احتمالی استفاده از لحن غیرعادی زبان گزارش‌های مدیران گردد. همچنین سیاست‌گذاران بازار سرمایه می‌توانند از طریق الزام مدیران به ارائه بندی مشخص در متن گزارش‌های سالانه شرکت مبنی بر رعایت افشای عادی و بی طرفانه اطلاعات یا اخذ تعهدنامه رعایت اخلاق گزارشگری از مدیران، نسبت به افشای بی طرفانه گزارش‌های سالانه هیئت مدیره و رعایت انصاف در ارائه گزارش‌های توضیحی اقدام نموده تا از این طریق ضمن هشدار به مدیران نسبت به احتمال طرح دعاوی حقوقی آینده مانع از سوء استفاده احتمالی مدیران از بکارگیری لحنی مغرضانه باشند. پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های دیگر فهرست واژگان متفاوت و بیشتری مورد استفاده قرار گرفته و بین آنها مقایسه‌ای صورت پذیرد. همچنین تعداد استفاده از واژگان مثبت یا منفی تنها یک روش برای بیان لحن گزارش‌های مدیریت می‌باشد و از آنجایی که مطابق پژوهش لارکر و زاکولیکوینا (۲۰۱۲) ترتیب استفاده از واژگان نیز ممکن است در درک پیام کلی یک متن تفاوت ایجاد نماید و نهایتاً بر مخاطبان تأثیر گذار باشد و از طرفی احتمالاً واژگان به تنهایی نتوانند لحن بکار رفته در یک جمله را مشخص نمایند و نیاز به بررسی جملات به کار رفته در گزارش‌های کیفی باشد، لذا پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های بعدی روش‌های دیگر سنجش لحن گزارش‌های فعالیت هیئت مدیره مورد استفاده قرار گیرد تا بدین ترتیب لحن جملات را بتوان به روشی کامل‌تر تعیین نمود. در خاتمه پیشنهاد می‌گردد ارتباط لحن گزارش‌های کیفی شرکت را با سایر متغیرها همچون اظهار نظر حسابرسان مورد سنجش و ارزیابی قرار گیرد.

## فهرست منابع

- اخگر، محمد امید؛ شانظری، نسرين. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و عدم تقارن اطلاعاتی تحت شرایط متفاوت ریسکی و علاقه سرمایه گذاران. دانش حسابداری مالی، ۲(۲)، ۱۴۶-۱۲۹.
- امیری، اسماعیل؛ فخاری، حسین. (۱۳۹۹). شاخص ترکیبی برای خرید اظهارنظر حسابرسان مبتنی بر فن تحلیل ممیزی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۷(۱)، ۱-۳۱.
- بزرگ اصل، موسی؛ غفارپور، فرشید(۱۳۹۱). مقایسه الگوهای پیش بینی اقلام تعهدی برای تشخیص مدیریت سود. پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی، ۱(۱)، ۲۷-۵۰.
- بزرگ اصل، موسی؛ مرفوع، محمد؛ ماهان‌نژاد، مهدی. (۱۴۰۰). تأثیر لحن گزارشگری مالی بر حق الزحمه حسابرسی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۸(۷۲)، ۷۹-۱۰۷. doi: 10.22054/qjma.2021.57363.2211
- بشیری منش، نازنین؛ پاکدل، ملیحه. (۱۳۹۸). کیفیت گزارشگری مالی و بندهای تعدیلی حسابرسی. پژوهش حسابداری، ۹(۱)، ۶۷-۸۷.
- پله، مولود؛ ایزدی نیا، ناصر؛ امیری، هادی. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر لحن گزارش‌های فعالیت هیئت‌مدیره بر عملکرد آتی شرکت‌ها مبتنی بر دو دیدگاه علامت‌دهی و رفتار فرصت‌طلبانه مدیران. فصلنامه دستاوردهای حسابداری ارزشی و رفتاری، ۴(۸)، ۱-۳۱.
- پورابراهیمی، محمدرضا؛ سیدخسروشاهی، سیدعلی. (۱۳۹۱). بررسی رابطه‌ی درصد سود تقسیمی و حجم معاملات در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. تحقیقات مالی، ۱۴(۲)، ۳۰-۱۵.
- پورکریم، محمد؛ جبارزاده کنگرلویی، سعید؛ بحری ثالث، جمال؛ قلاوندی، حسن. (۱۳۹۸). تأثیر حاکمیت شرکتی بر لحن گزارشگری مالی. فصلنامه دستاوردهای حسابداری ارزشی و رفتاری، ۴(۸)، ۶۲-۳۳.
- پورکریم، محمد؛ جبارزاده کنگرلویی، سعید؛ بحری ثالث، جمال؛ قلاوندی، حسن. (۱۳۹۷). تأثیر مدیریت سود بر لحن گزارشگری مالی در نظام حسابداری ایران. فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی، ۱۰(۳)، ۴۴-۲۱.
- جمالی، امیرحسین؛ کرمی، محمود. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر هزینه‌های نمایندگی بر حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابرسی، ۱۶(۶۶)، ۸۱-۹۸.

حسینی، محمد؛ برخورداری، حمیده. (۱۳۹۹). مطالعه تأثیر تمرکز مالکیت نهادی بر رابطه بین استقلال هیئت‌مدیره و حق الزحمه خدمات حسابرسی: تقابل دیدگاه‌های مبتنی بر عرضه و تقاضا در قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*. ۲۷(۱)، ۳۲-۵۹.

حسینی، الهه السادات؛ جمالیان پور، مظفر(۱۴۰۱). مدیریت سود و لحن و پیچیدگی گزارش حسابرسی. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*. ۱۹(۷۳)، ۲۶-۱. doi: 10.22054/qjma.2022.61061.2273

خانی، عبدالله؛ قجاوند، زیبا. (۱۳۹۱). تأثیر طیف رقابتی بازار بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه سرمایه سهام عادی. *پژوهش‌های حسابداری مالی*. ۴(۴)، ۶۷-۸۸.

خدای پور، احمد؛ امیری، اسماعیل. (۱۳۹۸). اثر نوع حق الزحمه حسابرسی بر حساسیت جریان نقدی سرمایه‌گذاری. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*. ۲۶(۱)، ۶۵-۸۶.

رجبی، روح اله؛ محمدی خشوئی، حمزه. (۱۳۸۷). هزینه‌های نمایندگی و قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی مستقل. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*. ۱۵(۴)، ۳۵-۵۲.

رحیمی، علیرضا؛ فروغی، عارف؛ آزادی ششده، مجید. (۱۴۰۱). رابطه بین پیش‌بینی اجباری سود و تعدیل پیش‌بینی با اقلام تعهدی غیرعادی. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*. ۱۴(۵۴)، ۲۰۶-۱۷۹.

رهنمای رود پشته، فریدون؛ نیکومرام، هاشم؛ نونهال نهر، علی اکبر. (۱۳۹۱). ارزیابی تأثیر رویکردهای قضاوتی و شناختی زبان در گزارش‌های توضیحی حسابداری، *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*. ۱۹(۲)، ۴۷-۷۲.

رهنمای رودپشته، فریدون؛ محسنی، عبدالرضا. (۱۳۹۷). مدیریت، مدیریت نوشتار و مدیریت سود. *فصلنامه پژوهش‌های تجربی حسابداری*. ۸(۲)، ۲۱-۵۲.

ریاحی نژاد، محدثه؛ توانگر، افسانه. (۱۴۰۰). تأثیر فرهنگ سازمانی بر رابطه مدیریت سود و خوانایی گزارش‌های مالی. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*. ۱۳(۵۲)، ۸۷-۱۱۴. doi: 10.30495/faar.2021.687681

عباس‌زاده، محمدرضا؛ نصیرزاده، فرزانه؛ پورحسینی حصار، سیدمهدی. (۱۳۹۹). بررسی رابطه بین نوسان پذیری سود و کیفیت حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *دانش حسابرسی*. ۲۰(۷۸)، ۳۹۲-۴۱۹.

فرج زاده دهکردی، حسن؛ همتی، حسن؛ برزده، امیر. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین تقسیم سود و کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های حسابداری و حسابرسی. ۳(۴)، ۸۳-۱۰۷.

کاظمی علوم، مهدی؛ عبدی، مصطفی؛ زلّقی، حسن؛ جلالوند، حسین. (۱۳۹۹). تأثیر خوانایی گزارشگری مالی بر معیارهای ریسک پروژه حسابرسی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی. ۲۷(۲)، ۲۳۰-۲۰۲.

کردستانی، غلامرضا؛ محمدی نسب، سید محسن. (۱۴۰۲). تأثیر اثربخشی کنترل‌های داخلی بر افشای ریسک در متن گزارش‌های مالی. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۵(۵۷)، ۲۲-۱. doi: 10.30495/faar.2023.699781

مشایخی، بیتا؛ عظیمی، عابد. (۱۳۹۵). تأثیر توانایی‌های مدیریت بر رابطه بین مدیریت سود واقعی و عملکرد آتی شرکت. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی. ۲۳(۲)، ۲۵۳-۲۶۷.

میرعلی، مهدیه؛ غلامی مقدم، فایزه؛ حصارزاده، رضا. (۱۳۹۷). بررسی رابطه لحن گزارشگری مالی با عملکرد آتی شرکت و بازده بازار. مجله دانش حسابداری مالی. ۵(۳)، ۸۱-۹۸.

نونهال نهر، علی اکبر؛ اکبرپور، سعید. (۱۳۹۸). بررسی تاثیر تجربه حسابرس بر حق الزحمه حسابرسی و کیفیت حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. چشم انداز حسابداری و مدیریت، ۲(۶)، ۱-۱۶.

نمازی، نویدرضا؛ اسماعیل پور، حسن. (۱۴۰۰). تأثیر کیفیت حسابرسی بر ارزش‌افزوده شرکت‌ها با تأکید بر نقش میانجی مسئولیت اجتماعی. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی. ۱۳(۵۲)، ۱۱۵-۱۵۰.

واعظ، سیدعلی؛ آرمن، سیدعزیز؛ شیبه، سکینه. (۱۳۹۷). کیفیت اطلاعات حسابداری و حق الزحمه غیرعادی حسابرسی. نشریه دانش حسابرسی. ۱۸(۷۳)، ۲۹-۵۳.

Aboody, D., Hughes, J., & Liu, J. (2005). "Earnings Quality, Insider Trading, and Cost of Capital". *Journal of Accounting Research*, 43(5), 651-673.

Abou-El-Sood, H.; & El-Sayed, D. (2022), "Abnormal disclosure tone, earnings management and earnings quality", *Journal of Applied Accounting Research*, Vol. 23 No. 2, pp. 402-433. <https://doi.org/10.1108/JAAR-07-2020-0139>.

Archambeault, D., & DeZoort, F.T. (2001). "Auditor opinion shopping and the audit committee: An analysis of suspicious auditor switches". *International Journal of Auditing*, 5(1), 33-52.

Baginski, Stephen P., Elizabeth Demers, Asad Kausar, & Yingri Julia Yu. (2018). "Linguistic tone and the small trader". *Accounting, Organizations and Society* 68: 21-37.



- Biddle, G. C., Hilary, G., & Verdi, R. S. (2009). "How does financial reporting quality relate to investment efficiency?" . *Journal of Accounting and Economics*, 48(2), 112–131. <https://doi.org/10.1016/j.jacceco.2009.09.001>
- Bowen, Robert M., Shantanu Dutta, Songlian Tang, and Pengcheng Zhu. (2018). Inside the "black box" of private in-house meetings". *Review of Accounting Studies* 23: 487–527.
- Charles, S. L., Glover, S.M., & Sharp, N.Y. (2010). "The Association between Financial Reporting Risk and Audit Fees before and after the Historic Events Surrounding SOX". *AUDITING: A Journal of Practice*, 29(1), 15–39. <https://doi.org/10.2308/aud.2010.29.1.15>
- Cho, M., Ki, E., & Kwon, S. Y. (2015). "The effects of accruals quality on audit hours and audit fees". *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 3(32), 372-400. <https://doi.org/10.1177/0148558X15611323>
- Choi, J.-H., J.-B. Kim, X. Liu, & D. A. Simunic. (2008). "Audit pricing, legal liability regimes, and Big 4 premiums: Theory and cross-country evidence". *Contemporary Accounting Research* 25 (1), 55-99.
- Cook, E., & T. Kelly. (1988). "Auditor Stress and Time Budgets", CPA Journal, PP. 83-86.
- Choi, J.-H., J.-B. Kim, X. Liu, & D. A. Simunic. (2008). Audit pricing, legal liability regimes, and Big 4 premiums: Theory and cross-country evidence. *Contemporary Accounting Research*. 25(1): 55-99.
- Davis, A. K., Piger, J. M., & Sedor, L. M. (2012). "Beyond the numbers: Measuring the information content of earnings press release language". *Contemporary Accounting Research*, 29(3), 845–868. <https://doi.org/10.1111/j.1911-3846.2011.01130.x>
- Davis, A. K., Ge, W., Matsumoto, D., & Zhang, J. L. (2015). "The effect of manager-specific optimism on the tone of earnings conference call"s. *Review of Accounting Studies*, 20(2), 639–673. <https://doi.org/10.1007/s11142-014-9309-4>
- Dechow, P. M. & I. D. Dichev. (2002). "The quality of accruals and earnings: The role of accrual estimation errors". *The Accounting Review* 77(s-1): 35-59.
- Dechow, P. M., Sloan, R., & Sweeney, A. (1995). "Detecting arnings Management". *The ccounting Review* 70, 193-225.
- Demerjian, P. R., Lev, B., Lewis, M. F., & McVay, S. E. (2013). "Managerial ability and earnings quality". *The Accounting Review*, 88(2), 463–498.
- DeCastro, B. V., Gul, F.A., Muttakin, M.B & Mihret, D.G.(2019). "Optimistic tone and audit fees: some Australian evidence". *International journal of auditing*, 23(2), 352-364. <https://doi.org/10.1111/ijau.12165>.
- Doran, James S., David R. Peterson, & S. McKay Price. (2012). "Earnings conference call content and stock price: The case of REITs". *The Journal of Real Estate Finance and Economics* 45: 402–34.
- Efretuei, E. (2020). "Year and Industry-level Accounting Narrative Analysis: Readability and Tone Variation". *Journal of Emerging Technologies in Accounting*.doi: <https://doi.org/10.2308/JETA-18-12-21-26>.
- Francis, J.R. (2004). "What Do We Know about Accounting Quality?". *The British Accounting Review*, 36(4), 345–368.
- Feltham, G. A., Hughes, J. S. & Simunic, D. A. (1991). "Empirical assessment of the impact of auditor quality on the valuation of new issues". *Journal of Accounting & Economics*, 14, 375-399.

- Feldman, R., Govindaraj, S., Livnat, J., & Segal, B. (2010). "Management's tone change, post earnings announcement drift and accruals". *Review of Accounting Studies*, 15(4), 915–953. <https://doi.org/10.1007/s11142-009-9111-x>
- Financial Reporting Council (2016). "International standard on auditing (UK) 720". The auditor's responsibilities relating to other information. Available at [https://www.frc.org.uk/getattachment/11b5e047-a2d7-4674-8281-cc57ec3d5e66/ISA-\(UK\)-720-Revised-June-2016.pdf](https://www.frc.org.uk/getattachment/11b5e047-a2d7-4674-8281-cc57ec3d5e66/ISA-(UK)-720-Revised-June-2016.pdf)
- Garcia, D. (2013). "Sentiment during recessions". *The Journal of Finance*, 68(3), 1267–1300. <https://doi.org/10.1111/jofi.12027>
- Gul, F. A., Chen, C. & Tsui, J. (2003). "Discretionary accounting accruals, manager's incentives and audit fees". *Contemporary Accounting Research*, 20(3), 441-464. <https://doi.org/10.1506/686E-NF2J-73X6-G540>
- Hales J., Jason, X., & Venkataraman, S. (2011). "Who believes the hype? An experimental examination of how language affects investor judgments". *Journal of Accounting Research*; 40(1), 223-255.
- Henry, E. (2008). "Are investors influenced by how earnings press releases are written?" . *The Journal of Business Communication*, 45(4), 363–407. <https://doi.org/10.1177/0021943608319388>
- Henry, E., & Leone, A.J. (2016). "Measuring qualitative information in capital markets research: Comparison of alternative methodologies to measure disclosure tone". *The Accounting Review* 91 (1): 153–178.
- Hossain, M., Raghunandan, K., & Rama, D.V.(2020). "Abnormal disclosure tone and going concern modified audit reports". *Journal of Accounting and Public Policy*. 39(4).1-16. <https://doi.org/10.1016/j.jaccpubpol.2020.106764>
- Hribar, P., Kravet, T., & Wilson, R. (2014). A new measure of accounting quality. *Review of Accounting Studies*, 19, 506-538.
- Huang, X., Teoh, S. H., & Zhang, Y. (2014). "Tone management". *The Accounting Review*, 89(3), 1083–1113. <https://doi.org/10.2308/accr-50684>
- Iatridis, G. E. (2016). "Financial Reporting Language in Financial Statements: Does Pessimism Restrict the Potential for Managerial Opportunism?". *International Review of Financial Analysis*. 45(3), 1-17.
- International Federation of Accountants (2012). "International standard on auditing (ISA) 720" (revised): The auditor's responsibilities relating to other information in documents containing or accompanying audited financial statements and the auditor's report thereon Available at <https://www.ifac.org/system/files/publications/files/ISA-720-The-Auditor%27s-Responsibilities-Relating-to-Other-Information-in-Documents.pdf>.
- Jegadeesh, N., & Wu, D. (2013). "Word power: A new approach for content analysis". *Journal of Financial Economics*, 110(3), 712–729. <https://doi.org/10.1016/j.jfineco.2013.08.018>
- Jones, J. (1991). "Earnings management during import relief investigations". *Journal of Accounting Research*, 29(2), 193–228.
- Kayed, Salah. and Meqbel, Rasmi. (2022), "Earnings management and tone management: evidence from FTSE 350 companies", *Journal of Financial Reporting and Accounting*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/JFRA-10-2021-0373>

- Kothari, Sabino P., Xu Li, & James E. Short. (2009). "The effect of disclosures by management, analysts, and business press on the cost of capital, return volatility, and analyst forecasts: A study using content analysis". *The Accounting Review* 84: 1639–70.
- Larcker, D. F., & Zakolyukina, A. A. (2012). "Detecting deceptive discussions in conference calls". *Journal of Accounting Research*, 50(2), 495–540. <https://doi.org/10.1111/j.1475-679X.2012.00450.x>
- Lang, M., & Lundholm, R. (2000). "Voluntary disclosure and equity offerings: Reducing information asymmetry or hyping the stock?". *Contemporary Accounting Research*, 17(4), 623–662. <https://doi.org/10.1506/9N45-F0JX-AXVW-LBWJ>
- Lawrence, A. (2013). "Individual investors and financial disclosure". *Journal of Accounting and Economics*, 56(1), 130–147. <https://doi.org/10.1016/j.jacceco.2013.05.001>
- Law, K. K., & Mills, L. F. (2015). "Taxes and financial constraints: Evidence from linguistic cues". *Journal of Accounting Research*, 53(4), 777–819. <https://doi.org/10.1111/1475-679X.12081>
- Li, F. (2008). "Annual report readability, current earnings, and earnings persistence". *Journal of Accounting and Economics*, 45(2), 221–247. <https://doi.org/10.1016/j.jacceco.2008.02.003>
- Liu, Z. (2015). "MD&A Disclosure Tone and Audit Pricing". PhD Thesis. Drexel University
- Loughran, T., & McDonald, B. (2011). "When Is a Liability Not a Liability? Textual Analysis, Dictionaries, and 10-Ks". *Journal of Finance*, 66, 35–65.
- Loughran, Tim, Bill McDonald, & Hayong Yun. (2009). "A wolf in sheep's clothing: The use of ethics-related terms in 10-K reports". *Journal of Business Ethics* 89: 39–49.
- Loughran, Tim, and Bill McDonald. (2011). "When is a liability not a liability? Textual analysis, dictionaries, and 10-Ks". *The Journal of Finance* 66: 35–65.
- Luo, Y. Zhou, L (2019), "Textual tone in corporate financial disclosures: a survey of the literature", *International Journal of Disclosure and Governance*, <https://doi.org/10.1057/s41310-020-00077-y>
- Nacashima, M. & D, Zibart. (2016). "Ton at the Top and shifts in Earnings Management". *Journal of Forensic & Investigative Accounting*. Vol. 8, Issue. 2, Pp. 1-37.
- Namazi, M. (1985). "Theoretical Developments of Principal - Agent Employment Contract In Accounting: the State of the Art", *Journal of Accounting Literature*, 4, 113-163.
- Oradi, J, Asiaei, K, & Rezaee, Z. (2020). "CEO financial background and internal control weaknesses". *Corp Govern Int Rev*. 28, 119– 140.
- Pouryousof, A., Nassirzadeh, F., Hesarzadeh, R., & Askarany, D. (2022). "The Relationship between Managers' Disclosure Tone and the Trading Volume of Investors". *Journal of Risk and Financial Management*. 15: 618. <https://doi.org/10.3390/jrfm15120618>
- Pomeroy, B. R., & Thornton, D.A. (2008). "Meta-analysis and the accounting literature: the Case of audit committee independence and financial reporting quality". *European Accounting Review*, 17, 305-330.
- Public Company Oversight Board (2013). PCAOB Release No. 2013-005. [https://pcaobus.org/Rulemaking/Docket034/Release\\_2013-005\\_ARM.pdf](https://pcaobus.org/Rulemaking/Docket034/Release_2013-005_ARM.pdf).
- Rogers, J. L., Van Buskirk, A., & Zechman, S. L. C. (2011). "Disclosure tone and shareholder litigation". *The Accounting Review*, 86(6), 2155–2183. <https://doi.org/10.2308/accr-10137>
- Roychowdhury, S. (2006). "Earnings management through real activities manipulation". *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 42, pp. 335-370.

- Teng, Z.-L. and Han, J. (2023), "Audit fees, audit report lag and abnormal tone: evidence from China", *Managerial Auditing Journal*, Vol. 38 No. 2, pp. 186-205. <https://doi.org/10.1108/MAJ-04-2021-3086>
- Tetlock, P. C. (2007). Giving content to investor sentiment: The role of media in the stock market. *The Journal of Finance*, 62(3), 1139–1168. <https://doi.org/10.1111/j.1540-6261.2007.01232.x>
- Wongsunwai, W. (2012). "The effect of external monitoring on accrual-based and real earnings management\_ Evidence from venture-backed initial public offerings". *Contemporary Accounting Research*, 30(1): 296-324.
- Whisenant, S., Sankaraguruswamy, S. & Raghunandan, K. (2003). "Evidence on the joint determination of audit and non-audit fees". *Journal of Accounting Research*, 41 (4), 721-744.
- Yang, R., Yu, Y., Liu, M., & Wu, K. (2018). "Corporate risk disclosure and audit fee: A text mining approach". *The European Accounting Review*, 27(3), 583–594.
- Yekini, L. S., Wisniewski, T. P., & Millo, Y. (2016). "Market reaction to the positiveness of annual report narratives". *The British Accounting Review*, 48(4), 415–430.

## Abstract

### Earnings management, Audit fees and abnormal tone of language in managers' reports

Mahdi Saghafi<sup>1</sup>  
AliAkbar Nonahal Nahr<sup>2</sup>  
Azam Pouryousof<sup>3</sup>

Received: 27 / September / 2024 Accepted: 26/ November / 2024

#### Abstract

According to the perspective theory, managers' personal preferences can affect their opportunistic behavior. Also, agency theory states that managers' personal interests and efforts to cover poor performance can impose direct and indirect agency costs on companies. Therefore, it is expected that the managers of the companies that have tried to manage profits, in order to influence the users of information, change the tone of the language of their explanatory reports and in this way reduce the auditors' fees. The aim of the present study is to investigate the mediating role of managers' abnormal tone of language in relation to profit management and normal and abnormal audit fees. The time period of this research is 8 years (2014-2021) and includes 944 observations. Research hypotheses have been investigated using multiple regression with control of year and industry fixed effects and Sobel test.

The findings of the research show that the existence of profit management increases the motivation of managers to use an abnormal tone in the activity reports of the board of directors. Also, the tone of the abnormal language used in the (explanatory) activity reports of the board of directors also has a direct and significant relationship with the increase in the auditors' normal and abnormal fees. In addition, profit management has had a positive and significant effect on auditors' fees, both normal and abnormal. In this way, the tone of the abnormal language of the (explanatory) activity reports of the board of directors can play a mediating role in the relationship between profit management and normal and abnormal audit fees.

Managers with higher earnings management scores try to cover their opportunistic actions by managing their tone in board activity reports and paying higher audit fees.

**Keywords:** Agency theory, Profit management, Managers' abnormal language tone, Audit fees, Activity reports (descriptive) of managers.

<sup>1</sup> Department of Accounting, Payame Noor University, Tehran, Iran (Corresponding Author )  
saghafi.mahdi@pnu.ac.ir

<sup>2</sup> Assistant Professor, Department of Accounting, BostanAbad Branch, IAU, BostanAbad, Iran  
anonahal@gmail.com

<sup>3</sup> Department of Accounting, Payame Noor University, Tehran, Iran pouryousof@pnu.ac.ir

